

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۸  
چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ ریال

## کشف شبکه جاسوسی امریکا وانگلیس در اصفهان و لزوم قاطعیت انقلابی در سرکوب توطئه های ضد انقلاب

صفحه ۲

### در صفحات بعد

## مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران

صفحات ۳ و ۶

## هشدار وزارت کار و امور اجتماعی رابه مالکین واحدهای تولیدی را کد مانده چگونه تلقی کنیم

صفحه ۴

## اتحادیه دهقانان چیست و چرا باید آن را تشکیل دهیم

صفحه ۵

به پرویز صادقی

## آنکه میداند

با تو روی سخن هست و چه بسیار چو تو  
ای ستم برده امید آورده  
در جوانی به سیه چال شده  
سرفراز آمده و موی سپید آورده

بینم باز که در زندانی  
و ندر آن بند این بار  
همه معتقد و یاور زندانیانی

دوست، نشناخته، دشمن با تو  
و تو ای شعله روشنگر راه  
در ره دوست بلا دیده جان افشانی

جرم تو دانستن  
جرم تو دانه اندیشه بزمزعه ای کاشتن است  
جرمت از دست و بر خلق مدام  
بند برداشتن است

آنکه میداند، در غم، شاد است  
در همه حال گرفتاری و مرگ  
توده ای زنده دلی آزاد است

## سیاوش کسرائی

شهریور ۱۳۵۹

# مردم از تأخیر در معرفی دولت نگرانند

این واقعیت اکنون بیش از هر زمان دیگر آشکارتر میشود که امپریالیسم آمریکا با بکارگرفتن تمام قوای اهریمنی دنیای سرمایه و تمامی نیروی چینی متحدهان اروپائی و دست نشاندهان آسیائی و آفریقائی، توطئه عظیمی را برای انهدام جمهوری اسلامی ایران و به خون کشاندن انقلاب ایران، تدارک دیده و در صدد اجرای آنست. این توطئه عظیم، که ابعادش هر روز بواسطه وقایع پراکنده آشکارتر میشود، بحق نگرانی مردم انقلابی ایران و کلیه نیروهای علاقمند به سرنگشتن انقلاب و مولودش جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است.

در چنین شرایط پس حساسی که انقلاب ایران در یکی از نقاط عطف سرفروخته ساز خود قرار گرفته است، بیشک تجنح و تمركز تمام نیروی مردم، بویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران، علیه این اقدامات تبهکارانه و براندازانه امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان خارجی و مزدوران داخلی، ضرورتی حیاتی و گریز ناپذیر کسب می کند، که هرگونه تملق و سامحه در آن، ممکن است به عواقب وخیمی منجر گردد، که جبران آنرا دشوار و یا حتی غیر ممکن سازد. به همین دلیل مردم ایران و نیروهای انقلابی متعهد و مسئول، با نگرانی به امر تأخیر در معرفی کابینه و آغاز کار نخستین دولت قانونی جمهوری اسلامی ایران برخورد می کنند و خواستار استقرار هر چه سریعتر آخرین پایه قانونی جمهوری اسلامی ایران - که باید نقش مهمی در بسیج توده های مردم علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا، علیه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ، علیه پیوندهای وابستگی و در جهت تأمین استقلال، آزادی و رفاه توده های زحمتکش، ایفا کند هستند. تأخیر در معرفی نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران به مجلس

شورای اسلامی و ادامه جو عدم تفاهم در میان مسئولین جمهوری اسلامی ایران، از یکطرف افکار و هشیاری این مسئولین را، که باید تمام و کمال متوجه این هدف فوری و اساسی باشد، که توطئه عظیم و خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را عقیم گذارند، بجانب درگیری های ناروای درونی هرز می برد و منحرف می سازد و رقت گرانبهائی را که باید صرف بسیج توده های مردم و کلیه نیروهای انقلابی، بیگیری و رشتناسائی شبکه های توطئه و در هم کوبیدن آنها گردد، در مسیری خلاف مصالح انقلاب سوق میدهد. از طرف دیگر تأخیر در آغاز کار دولت آینده، که باید به شیوه های انقلابی، و با برنامه های علمی با اتقان تدابیر قاطع و بنیادی بسوزن حجت کشان و به زیان مستکبران، انتظارات بحق توده های محروم و زحمتکش را برآورده سازد و بدینسان جبهه انقلاب را تقویت و تحکیم کند، به امر حیاتی بسیج توده مردم، زیان میرساند و به فاضائی، نومییدی و بدبینی آنها دامن می زند.

برای توده های انقلابی مردم ایران، که با تحمل تمامی مشقات و فداکاریها و با دادن قربانیهای فراوان رژیم دست نشانده پهلوی را سرنگون کرده اند و باز با تحمل گرسنگی، فقر، بیکاری و گرانی و در مقابله با توطئه های خائفانه شیطان بزرگ - آمریکا، يك بيك پایه های قانونی جمهوری اسلامی ایران را مستقر ساخته اند، ادامه تأخیر در معرفی دولت، مقوم نیست.

توده های مردم می پندند که هر چه سریعتر دولت جمهوری اسلامی ایران، با برنامه های انقلابی بسوز استقلال، آزادی، ترقی و رفاه مردم مبین ما، به مجلس شورای اسلامی ایران معرفی شود و آغاز بکار کند. تأخیر در انجام این خواست، بیشک به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

### مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران:

## از ماههای اول انقلاب تا کنون (ذوب آهن اصفهان) یکی از موسسات کارگری نادری بوده که وظایف خود را بنحوشایسته انجام داده است

مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران دیروز در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس شایعات موجود در زمینه کمبود ذغال سنگ جهت استفاده ذوب آهن اصفهان را رد کرد. وی ضمن تأکید بر اهمیت ذوب آهن و تشریح فعالیت های مثبت هیئت این سازمان از آغاز انقلاب تا کنون اظهار داشت از ماههای اول انقلاب تا کنون یکی از موسسات کارگری نادری که وظایف خود را به نحو شایسته انجام داده، بطوریکه بهره برداری از آن پیش از زمان طاغوت بوده، ذوب آهن است، که متأسفانه همیشه مورد کم لطفی اکثر مقامات مسئول قرار گرفته است. در حالیکه این صنعت مادر اساسی ترین و لازمترین صنعت زیربنایی کشور بوده و باید مورد توجه خاص دولت قرار گیرد. مدیر عامل شرکت ملی فولاد در زمینه شایعات مربوط به کمبود ذغال سنگ گفت: بیشتر اظهار نظر ها از سوی افراد غیر-

مختص است، زیرا ذغال سنگ مورد احتیاج ذوب آهن تنها از معادن کرمان تأمین نمیشود، بلکه از چهار واحد معدنی کرمان، زیراب، شاهرود و سنگرد ذغال سنگ لازم تأمین میشود. وی افزود معادن کرمان از فهاترین معادن ماست و کارگران کرمان تا کنون کلیه برنامه های محوله را بخوبی اجرا و کمبود معدن دیگر را نیز تأمین کرده اند. مهندس آشتیانی همچنین گفت یکی از دلایل اصلی ایجاد نگرانی در مورد کمبود ذغال سنگ در حال حاضر، عدم تحویل ذغال خارجی است که قبلاً از آلمان فدرال تأمین میشد، ولی به علت تحریم اقتصادی از صدور آن به ایران جلوگیری شده است. سرپرست شرکت ملی فولاد ایران افزود: البته اشکالات فنی در معادن سنگرد و زیراب وجود داشت که بحمدالله در حال برطرف شدن است. وی در این مورد همچنین گفت مسئله ورود ذغال سنگ از آلمان نیز در

مسار آخر به این کشور حل شد و در حال حاضر در مورد کمبود ذغال سنگ جای نگرانی نیست. از سوی دیگر بدلیل فعالیت چشمگیر کارگران معادن کرمان حتی ذخیره سیلوی کارخانه به حدود نه هزار تن ذغال سنگ رسیده و این رقم برای شش روز کار کافی است. سرپرست شرکت ملی فولاد ایران در زمینه خرید ذغال سنگ از مسکو اظهار داشت، خرید ذغال سنگ از شوروی بعلت عدم موجودی ذغال سنگ روسیه شوروی فلاماسکان - پذیر نیست. در همین زمینه با لهستان نیز قراردادی بسته شده، که متأسفانه به دلایل خاص تحویل ذغال سنگ از لهستان موکول به سال آینده شده است. در پایان مهندس آشتیانی اظهار امیدواری کرد با برنامه ریزی صحیح بزودی جمهوری اسلامی از خرید ذغال سنگ خارجی بکلی بی نیاز شود. (انقلاب اسلامی، سوم شهریور ۵۹)

## دانشجویان مسلمان پیر و خط امام: با کوچکترین حرکت نظامی آمریکا جاسوسان یکجاره سپار جهنم خواهند شد

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در یکصد و چهل و دومین اطلاعیه خود درباره توطئه آمریکا برای به اصطلاح نجات گروگانها هشدار دادند. در اطلاعیه از جمله آمده است: ... کارتر باید بداند که اگر این گروه به مرکز جاسوسی آمریکا در تهران حمله کرده بودند اکنون از هیچ یک از آنها و از ۵۰ نفر جاسوس خبری نبود و همه رهسپار جهنم شده بودند. (امام خمینی بمناسبت حمله نظامی آمریکا در طیس) ملت بیدار دل و رزمنده و غیور ایران بپشت انقلاب عظیم اسلامی ایران به رهبری بشتک زمان حضرت امام خمینی در مسیر موفقیت های خود چنان قدرت تفکر را از کارتر و هیئت حاکمه آن سلب کرد که دیگر کمترین آمیدی برای دولت جنایتکار

اسلامی ایران نمی بیند. ما ضمن هشدار به ملت میبای رزم و دلاوری ایران اعلام میکنیم از آنجائی که در حال حاضر مسئله جاسوسان آمریکا که نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری است تعیین کننده میباشد، لذا در صدد هستند که به نحوی خود را از آثار مرگبار این جریان نجات دهند و قبل از اتخاذ تصمیم قاطع از طرف مجلس شورای اسلامی به خیال خام خود آنها را آزاد کنند ولی زهی خیال باطل که تا روشن شدن سرنوشت جاسوسان آمریکائی همچنان بطور سرسخت از آنها نگهداری میکنیم و همانطور که امام امت فرمودند اگر تا روز تعیین تکلیف جاسوسان آمریکائی جهان خوار کوچکترین حرکت نظامی از خود نشان دهند حمله کنندگان و جاسوسان به یکجا رهسپار جهنم خواهند شد. ما در هر حال آماده باش کامل بوده و برای خنثی کردن هرگونه توطئه احتمالی بر آن شدیم تا محل نگهداری آنها را در شهرستانها به جای نامعلوم دیگری منتقل کنیم در حال حاضر آن عده جاسوسانی که در شهرهای شیراز و گرگان، زنجان و قزوین نگهداری شده اند به نقاط نامعلوم دیگری منتقل کرده ایم.

## آزادی فعالیت سیاسی برای همه گروهها و سازمانهای مؤمن به انقلاب

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود، که روز سوم شهریور در تالار مطبوعات مجلس برگزار شد، در پاسخ سؤال یکی از خبرنگاران مبنی بر علت جلوگیری از فعالیت سیاسی مجاهدین خلق، فدائیان خلق، حزب توده ایران و گروههای دیگر در شهرهای آبادان و خرمشهر، و اینکه مجلس در رابطه با فعالیت گروههای سیاسی موجود چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد، اظهار داشت که:

«من این را قبلاً گفته ام اگر در چارچوب قانون اساسی گروهها حاضر به فعالیت سیاسی سالم باشند و قانون را مراعات نکنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت نخواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت نکنند... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقاً حمایت میکند.» پاسخ رئیس مجلس شورای اسلامی، بویژه از آنجست امید به حکومت قانون را در دلها بارور میسازد که ایشان بر اساس قوه قانونگذاری قرار دارند. این پاسخ مورد تأیید کامل تمام گروههای سیاسی مؤمن به انقلاب و از جمله حزب توده ایران است، که خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی رای مثبت داده و پیوسته اجرای قانون و استقرار نظم انقلابی را طلب کرده است. ضوابط و معیارهایی که جهت اسلام رفسنجانی برای فعالیت قانونی گروههای سیاسی خاطر نشان کرده اند، برای حزب ما مقبول و پذیرفتنی است. زیرا که فعالیت حزب توده ایران دقیقاً در این چارچوب و با مراعات آکید همین ضابطه ها و معیارها بوده است.

حزب ما بر اساس مشی اصولی انقلابی خود، از انقلاب ۲۲ بهمن و نظام برخاسته از آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران با تمام نیر و امکانات پشتیبانی کرده است، و این پشتیبانی نه مانور تبلیغاتی است، نه تاکتیک روز، نه عوام فریبی و نه نقشه ویژه، بلکه از آنجا نشأت میگیرد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را، انقلابی و نظامی مخالف با سلطه امپریالیسم، استقلال طلب، خلقی و خواهان بهر روزی توده های محروم و زحمتکش تشخیص داده است. حزب توده ایران در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی، صداتی به شفافیت نور داشته است و در این رهگذر از هرگونه حسابگری و خود محور بینی مبرا مانده و تنها محرک آن مشی اصولی و انقلابی آن بوده است، که دشمن هرگونه سلطه امپریالیسم و نواستعمار خواهان سادات و نیکبختی توده های محروم است که ملی قرون بر آنان ستم رفته است.

اسناد صداقت و وفاداری ما به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بیش از سیصد شماره نامه مردم، ارگان مرکزی حزب است، که از خلال سطر سطر آن عشق عمیق توده ای ها به حفظ دستاوردهای انقلاب، تداوم و بهر روزی آن متجلی است؛ شماره های مجله دنیا، ارگان سینسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب است، که صفحات آن گواهی وفاداری بقیه در صفحه ۸

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# اتحاد شوروی در عمل نشان داده است که دوست و مدافع راستین انقلاب فلسطین است

که شما نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید. ما ... همواره کمک و امداد برادران سوسیالیست خود را و نیز کمکهای اتحاد شوروی را مقتصد می‌شمیریم.

یاسر عرفات هنگام دیدار خود از اتحاد شوروی، در پدین سال گذشته، در پایان مذاکرات با رهبران شوروی اظهار داشت:

«ما خوشحالیم که مبارزه ما در میهن لنین بزرگ، یعنی اتحاد شوروی از قیام و حمایت کامل برخوردار است. سرزمینی که خلقهای آن برای نخستین بار راه آزادی و استقلال واقعی را به خلقهای جهان نشان داده‌اند. کمکهای اتحاد شوروی به خلقهای عرب برای ما در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و صهیونیسم، توان بخش است. ما اعتقاد داریم که دوستی میان خلق فلسطین و اتحاد شوروی روز بروز مستحکمتر خواهد شد.»

ابوسدر، سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین، در پایان کار کنفرانس کشورهای عضو جبهه پایداری، که چندی پیش در طرابلس برگزار شد، در ارتباط با تحکیم روابط کشورهای عضو جبهه پایداری و اتحاد شوروی، به خبرنگاران گفت:

«کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس جبهه پایداری در آخرین جلسه خود، لزوم تحکیم روابطشان با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی را مورد تأیید قرار دادند.»

اظهارات فوق بیانگر يك واقعیت است و آن اینکه: اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عمل نشان داده است که یگانه‌ترین مدافع حقوق و خواستهای خلق فلسطین و دیگر خلقهای جهان است. کسان این واقعیت زنده، یعنی چشمپوشی بر صفحات گرانبهای از اتحاد جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و کشورهای سوسیالیستی در رزم مشترک علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی!

شوروی در تمامی همواره‌ها، چه در صحنه نظامی و چه در صحنه سیاسی، چه از طریق رساندن اذوقه، دارو و اسلحه و چه در پشت تریبون‌های سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی، از حقوق مردم فلسطین و انقلاب فلسطین دفاع کرده‌است. دفاع اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین نه‌خنده‌است و نه عوامفریبی. این دفاع نه مانور سیاسی است و نه تا تیک. این دفاع بر مبنای اصول سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی انجام می‌گیرد، که پشتیبانی از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی از ارکان آن است.

اتحاد شوروی بارها تأکید کرده‌است که یگانه راه حل مسئله فلسطین خروج واحدهای نظامی اسرائیل از تمامی سرزمین‌های اشغال‌شده و شناسائی حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین و حق تشکیل يك دولت مستقل است.

در همین زمینه، در مذاکرات مهمی که در آبان ماه ۵۸، در مسکو، بین رهبران شوروی و یاسر عرفات انجام شد، اتحاد شوروی یکبار دیگر اعلام کرد که قاطعانه از مبارزه برحق خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم حمایت می‌کند.

اتحاد شوروی به شهادت تاریخ نشان داده است که هیچگاه از سیاست اصولی خود در مورد انقلاب فلسطین عقب‌نشسته است. از این روست که رهبران جنبش فلسطین به کرات پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای ترقی‌خواه از جنبش فلسطین را ارج نهاده‌اند و آنرا از جمله زئیقه‌های مملو کسب پیروزی‌هایی خود خوانده‌اند. در این زمینه اظهارات رسمی رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین مویذ این نکته‌است که اتحاد شوروی به آنچه گفته، عمل کرده‌است.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در پیامی که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب اکتبر برای تلویذ پرزنتف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر شورای عالی اتحاد شوروی ارسال داشت، در ارتباط با کمک‌های بی‌شائبه اتحاد شوروی به انقلاب فلسطین یاد آور شد:

«امروز ملت ما با جنگ و آتش رو بروست و ما هرگز فراموش نمیکنیم

یاسر عرفات: امروز ملت ما با جنگ و آتش رو بروست و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که شما (اتحاد شوروی) نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید.

این تصور که گویا دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر سر مسئله فلسطین در حال توافق و بند و بست با صهیونیسم و امپریالیسم جهانی است و در حرف از فلسطین دفاع می‌کند و در عمل به آنها از پشت خنجر می‌زند، چندی است که در نزد برخی از دولتمندان و همچنین رسانه‌های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران هواخواهانی پیدا کرده‌است.

این پندار اگر از جانب آنکه در عمل دارای صداقت انقلابی هستند، طرح شود، دلیل بر عدم آگاهی از وقایع و عملکرد واقعی اتحاد شوروی در قبال مسئله فلسطین است. اگر از جانب مفرضان و کج‌اندیشان طرح شود، ما را کاری با آن نیست. تاریخ خود بارها جوابگوی چنین تصوراتی بوده و اکنون نیز جوابگوی آنها خواهد بود.

ما در این جا بصورت اول مواجهیم. از این رو برای آنانکه جوای حقیقت‌اند، یادآوری‌نکاتی چند پیرامون دفاع صادقانه اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین و برخورد رهبران خلق فلسطین به این مسئله را ضرور میدانیم.

\*\*\*

خلق فلسطین در رویارویی مستقیم با صهیونیسم و حامی آن امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی، پشتیبانی جهانی نیروهای ضد امپریالیست و آزادیخواه را همواره با خود داشته است. مبارزات حق طلبانه خلق فلسطین در راه آزادی سرزمین‌های اشغالی علیه اسرائیل تجاوزگر، از نخستین روز مورد پشتیبانی همه‌جانبه کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بوده است. اتحاد

## کشف شبکه جاسوسی امریکایی و انگلیسی در اصفهان، لزوم قاطعیت انقلابی را در سر کوب توطئه‌های ضد انقلاب تأکید میکند

تتها بخش بسیار کوچکی از عوامل ضدانقلاب در ایران را تشکیل میدهند.

شبکه جاسوسی اصفهان، که بوسیله پاسداران انقلاب اسلامی کشف شد، یکی از قدیمیترین و شاید قدیمیترین شبکه جاسوسی امپراتوری بریتانیا در خاک ایران است. پای میسیونرهای انگلیسی از اواخر قرن هیجدهم به ایران باز شده است. میسیونرها، چنانکه لنین مینویسد، پیشقراولان استعمار بودند و استعمارگران اروپایی بدنبال میسیونرها، که انجیل در دست، راه را برای سلطه دولتهای اروپایی زیر پرده مذهب پاز میکردند، به داخل کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین نفوذ کرده، آنان را بزنجیر اسارت خود میکشیدند. برخی بزرگی از آفریقای سیاه، از همین راه به مستعمره دولتهای اروپایی تبدیل شد و خلقهای آن سبخت را بپشتوان دین خود پذیرفتند. در برخی از کشورهای اسلامی میسیونرهای مسیحی موفق شدند که اقلیتی از مردم را بقبول دین مسیح متقاعد سازند، ولی در اکثر این کشورها سیاست مسیحی کردن مردم با شکست قاطع رو برو شد. در ایران تقریباً هیچکس از بین مسلمانان به عیسویت نگرزید. با وجود این، هیئت‌های میسیونری در ایران بفعالیت خود ادامه میدادند (بجز میسیونرهای روسی، که پس از انقلاب اکتبر، بدستور لنین به فعالیت آنها نقطه پایان گذارده‌شد) و سازمانهای عریض و طویل خود را حفظ کرده بودند.

برای فعالیت میسیونرهای انگلیسی و آمریکایی در ایران نه تنها از نظر سیاسی، بلکه همچنین از نظر مذهبی نیز هیچ دلیل موجهی وجود نداشت، زیرا مسیحیان ایران (ارمنی‌ها، آشوریها) تابع کلیسای انگلستان و آمریکا نیستند و «اسقفی اعظم» اصفهان را نیز قبول ندارند. شاهان ایران، که طی دو قرن اخیر همه دست‌نشاندهای دولتهای استعماری بودند، وجود این میکروب یگانه را در اندام ضعیف کشور تحمل میکردند و بی‌چوجه مانع فعالیت آنها نمی‌شدند. در زمان سلطنت محمدرضا، که دوران «شکن - بشکن» امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در ایران بود، سازمانهای میسیونری دستگاههای خود را در طول و عرض گسترده و در همکاری با ساواک و نفوذ سازمانهای ضد رژیم، نقش بسیار شوم و مومتری علیه جنبشهای انقلابی ایران ایفا کردند. میسیونرها تمام فعالیت ضدانقلابی خود را زیر پرده مذهب و مبارزه با کفر و الحاد انجام میدهند، اما روشن‌است که مذهب آنان نیز مانند تمام مذاهب دیگر طبقاتی است. آنها هنگامیکه شاه سابق سرکار بود، با دستگاه جنبشی ساواک برضد مبارزان انقلابی (بخصوص پیروان مارکسیسم) مبارزه میکردند و اکنون که جمهوری اسلامی ایران بر سر ویرانه‌های رژیم شاهنشاهی پدید آمده است، با سرویسهای جاسوسی امپریالیسم آمریکا و انگلستان برای براندازی این جمهوری، که مذهب مستضعفان را پایه و اساس نظام اجتماعی خود قرار داده، همکاری میکنند. آنچه تاکنون از فعالیت این شبکه عظیم جاسوسی کشف شده، دایره گسترده فعالیت آنرا بخوبی نشان میدهد. تنها کافی است به رقم پانصد میلیون دلار و ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» توجه کنیم. این آقایان «خدمتکار مسیح» برای «تیکوکاری‌های» خودشان ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» توزیع کرده‌اند. چقدر از این مقدار مصرف شد و چقدر هنوز بصرف نرسیده، دقیقاً معلوم نیست. اما هر کیلوگرم از این ماده منفجره نیرومند میتواند به زندگی دهها و صدها نفر خاتمه دهد. این بمب‌های که هر روز در جانی منفجر میشوند، در برابر بمبهای نیرومندی که میتوان با این ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» ساخت، اسباب بازی بیش نیست.

محل خرج این ۵۰۰ میلیون دلار هم چیزی نظیر نصر ف همان ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» است. «بایستی این مبلغ بین بعضی از پرسنل ارتش ایران، رهبران فرقه سیاسی غیرقانونی بهائی و ضدانقلابیون توزیع شود» رهبران فرقه بهائی بهیول چه احتیاجی دارند؟ سازمان بین‌المللی بهائیان، یکی از متولترین سازمانهای سیاسی - مذهبی است. نمیتوان پذیرفت که رهبران بهائی از سازمانهای میسیونری به منظور کمک به افراد فرقه خودشان پول گرفته باشند. بنابراین رهبران فرقه بهائی، اگر پولی از «اسقفی اعظم» گرفته باشند، برای مصارف سیاسی، یعنی مبارزه برضد رژیم گرفته‌اند و این برخلاف

هنگامیکه روزنامه‌ها اطلاع دادند که دیپلماتهای انگلیسی جل و پلاسی خود را یواشکی جمع کرده و رفته‌اند و تنها دوسه نفر از آنان در تهران باقی‌مانده‌اند، ما حدس زدیم که امپریالیسم بریتانیا، «دسته گل‌زبانی» به آب داده و برای گریز از عواقب آن، دیپلماتهای انگلیسی فرار پنهانی را بر قرار ترجیح داده‌اند. بپرویز که اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان در روزنامه‌ها منتشر شد و از ایجاد توطئه‌های که سرویسهای جاسوسی انگلستان و امریکا در ایران تهیه دیده بودند، پرده برداشت، رمز تخلیه سفارت انگلستان در تهران روشنتر گشت. معلوم شد که انگلیسها، که پس از انقلاب خودشان رایه موش‌مدگی زده بودند و با سیاست کج‌دار و مریزشان خود رانست به انقلاب ایران «دیپترف» نشان میدادند، گردانندگان یکی از بزرگترین شبکه‌های جاسوسی و ضدانقلابی در ایران بوده‌اند. چشم‌کسانی که امیدوار بودند از اروپای غربی و ژاپن برضد امپریالیسم امریکا و بفتح انقلاب ایران استفاده کنند روشن!

ما از همان نخستین روزهای انقلاب فریاد زدیم که امپریالیسم یک سیستم واحد جهانی است و در بین اجزای آن اصل: چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار (با اعتدال از استاد سخن سعدی، که این بیت زیبای او را در چنین موردی یکبار میریم) تمام و کمال حکم فرماست و این گفته بخصوص در مورد کشورهای نام انگلستان و ایالات متحده آمریکا صادق است. همکاری بین انحصارات انگلیسی و آمریکایی و دولتهای این دو کشور، که از نمایندگان همان انحصاراتند، در دوران پس از جنگ، بویژه در دوران مبارزه علیه جنبش ملی‌شدن نفت در ایران وارد مرحله تازه‌ای گشت.

انگلستان، که پس از جنگ دوم جهانی بتدریج به یک دولت درجه دوم تبدیل میشد (امروز انگلستان از لحاظ تولید صنعتی ششمین کشور جهان است) بدون پشتیبانی ایالات متحده، که در آن زمان با فاصله زیادی در رأس دنیای سرمایه‌داری قرار داشت، نمیتوانست بقایای نفوذ خود را در جهان سوم، بخصوص منطقه خاور نزدیک و میانه، که برایش اهمیت حیاتی داشت، حفظ کند. امپریالیستهای آمریکایی نیز که باین منطقه بدلیل ذخایر نفتی و موقعیت استراتژیکی چشم‌نمطع دوخته بودند، بدون همکاری با انگلستان، که شبکه گسترده‌ای از سازمانهای مخفی سیاسی (نظیر فراماسونری و غیره) و اطلاعاتی (نظیر آنچه در اصفهان کشف شد و در سایر نقاط هنوز کشف نشده است) در دست داشت و محافل حاکم کشورهای این منطقه زیر نفوذ آن بودند، نمی‌توانستند جای پای خود را در این کشورها محکم کنند.

امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی بر پایه این نفع مشترک در سیاستهای سلطه‌جویانه خود در منطقه خاور نزدیک و میانه بتوافق رسیدند. همکاری آنان در جریان کودتای ۲۸ مرداد محصول این توافق بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم موقعیت‌شاه سابق، شبکه‌های نیرومند اطلاعاتی امپریالیسم آمریکا و انگلستان فعالیت خود را در تهران متمرکز نمودند و تهران را بمرکز فعالیت جاسوسی خود در تمام منطقه تبدیل کردند. همکاری بین سرویسهای جاسوسی انگلستان و امریکا، که اسرائیل نیز به آنها ملحق شده بود، در تمام دوران پس از کودتا برضد جنبش انقلابی ایران ادامه داشت.

در دوران اوج جنبش، بخصوص در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ما جای پای جاسوسان امریکایی، انگلیسی و اسرائیلی را در تمام جوارهای ایران مشاهده میکنیم. امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی، کوشیدند که با استفاده از شبکه جاسوسی خود جنبش را خفه کنند و یا لااقل مسیر انقلاب ایران را بفتح خود تغییر دهند. اما انقلاب ایران نیرومندتر از آن بود که جاسوسان امپریالیسم بتوانند در آن تأثیر جدی بنمایند. با وجود این، آنها از تلاش نیابت‌اند و در چارچوب امکاناتی که داشتند، «آدم‌های» خود را در ارگانهای جدیدالتاسیس انقلابی، از شورای وزیران گرفته تا دادگاهها و کمیته‌ها جابجا کردند. برخیز از آنان به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افشا شدند، اما کشف شبکه‌های ضدانقلاب و بخصوص شبکه اصفهان نشان میدهد که، افشاشدگان

ادعای آنهاست که مذهب بهائی مداخله در سیاست را منع میکند. معلوم میشود که مذهب آنان نیز چون مذهب کیشیان «اسقفی اعظم» کشتار و طبقاتی است، یعنی سکوت و تسلیم در برابر رژیم شاه‌ملمون و مبارزه و سرکشی در مقابل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی مسئله سیاسی است و نه مذهبی.

در گروه دیگر، که از این ۵۰۰ میلیون دلار سهم میبرند (بعضی از پرسنل ارتش و «ضدانقلابیون» هستند. تکلیف ضدانقلابیون مشخص است، اما با بعضی از پرسنل ارتش، چه باید کرد؟ آیا آنرا نیز زنگ خطی تزه‌ای نیست که درباره وضع داخلی ارتش بصدا درمی‌آید؟ میزان این پول، که مبلغ عظیمی را تشکیل میدهد، نشانه آنست که طراحان انگلیسی و آمریکایی برنامه‌های خود را برای مدت درازی تنظیم کرده‌اند و هنوز ارتش ایران را محیط مساعدی برای پیاده کردن طرحهای ضدانقلابی خود محسوب میدارند.

اسنادی که در «اسقفی اعظم» اصفهان کشف شده، با تمام اسناد دیگری که درباره برنامه‌های ضدانقلاب در ایران بدست آمده، هماهنگی کامل دارد. در یکی از این اسناد، از قول طراحان سیاه گفته شده است:

« ما نقشه‌های مختلفی داریم که اولین آن تشکیل گروههای مقاومت در ایران بعنوان يك ضرورت است. مافی توایم و مجاز نیستیم ساکت به‌نشییم. اگر ما ساکت بنشینیم تمام دوستانمان را در ایران از دست خواهیم داد.»

آری، امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی قهقهه دارند. آنها میکوشند که انقلاب ایران را، تا «تمام دوستانشان را از دست ندهند» خفه کنند. «دوستانشان» نیز یکی‌ساز دیگری «زهدرسه» بیرون‌میروند. بهمین دلیل نیز آنان شیوه ضدانقلاب خرنده را به شیوه اعمال‌زورخشن تبدیل کرده‌اند.

ما میدانستیم و میدانیم که امپریالیستها «ساکت نخواهند نشست» ما بارها در این باره هشدار داده‌ایم. کشف شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» در اصفهان گواه بارز دیگری بر خصومت آشفتنی‌ناپذیر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا (و فرزند خلف آن صهیونیسم) با انقلاب ایران است، که برخلاف گفته و ادعای کسانی که می‌خواهند ریشه این خصومت را در «گروگانگیری» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام جستجو کنند، کوچکترین ارتباطی با آن نداشته است.

هدف امپریالیستهای انگلیسی، آمریکایی و اسرائیلی، که «اسقفی اعظم» اصفهان را به مرکز جاسوسی خود تبدیل کرده بودند، براندازی جمهوری اسلامی ایران است، که رهبران آن، چنانکه در سند ذکر شده، و بچشم امپریالیستهای چپ‌انگار «دیک‌گروه قاتل و تروریست هستند، که باید آنها را بیدرنگ کشت».

بر تردید شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» اصفهان تنها شبکه‌ای نیست که در ایران زیر قیام مذهب فعالیت داشته است. چنانکه در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان گفته میشود «اسقفی اعظم» علاوه بر اصفهان، در مراکز استان‌های تهران، شیراز، کرمان، یزد و خوزستان شعبه داشته و هر يك از این شعب خود موسسات مختلفی در اختیار و زیر نفوذ داشته‌اند. هیچ معلوم نیست که این شعب و سایر تاسیسات امریکایی و انگلیسی، که در ایران فعالیت میکنند، هر يك خود چنین شبکه عظیم جاسوسی نباشند.

تشکیل شبکه‌های عظیم جاسوسی در ایران تنها یک رشته از توطئه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برضد انقلاب ماست. دنیای سرمایه‌داری تمام امکانات خود را برای رویارویی با انقلاب ایران در یک کاسه ریخته است. جبهه واحد کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی رهبری عملیات ضدانقلابی ایران را به کیت‌های زیر نظر برژینسکی، مشاور کارتر در امور امنیت ملی، سیرده است تا گلوی انقلاب ایران را بپشدارد.

اما انقلاب ایران، بکوری چشم دشمنان، علیرغم تمام توطئه‌ها، کارشکنی‌ها و فشارهای اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی و تبدیلات نظامی که از جانب جبهه متحد دنیای سرمایه‌داری بر آن وارد میشود، با کامیابی استوار به پیش می‌رود و سنکری را در پی سنکر دیگر از امپریالیسم جهان‌خوار میکیرد.

«اسقفی اعظم» این سنگر جاسوسان انگلیسی، آمریکایی و اسرائیلی فروردیخت. خلق ما سنگرهای دیگر را نیز بتصرف درخواهد آورد. امپریالیسم، این نظام منحصر، هر قدر هم جان‌سختی نشان دهد، محکوم بفرگ است. و ما از صمیم قلب شادمانیم که خلق قهرمان ما در اجرای این حکم تاریخ سهم شایسته خود را ادا میکنند.

# مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران

تبلیغات و سیاست‌های که رنگ و بوی مائوئیستی دارد، در فضای بزرگی از جامعه ما رخنه کرده است. دیدگاه‌های حاکمان بکن و آسمان ریسمان‌های مائوئیست‌های داخلی، به اشکال مختلف از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات کنترال‌تشریح‌روبرخی از سیاستمداران و مبلغان و نارحان اجتماعی در رنگ و لعاب و بسته بندی‌های جورا جور به خورد توده‌ها داده می‌شود.

آیا این هماهنگی و اشتراک عقیده و نظریاتی از ارگان‌ها و رسانه‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی ایران مائوئیسم متمدنی است؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند با همان اسلوب و معیارهای قضاوت کند که باب طبع و حتی ساخته و پرداخته شده در کارگاه‌های تئوری بافی مائوئیستی است؟ چه کسی است که نداند، مائوئیسم

امروز همکار امپریالیسم‌ها نیست است؟ آیا یک انقلاب‌فدا امپریالیستی و خلقی، از موله انقلاب ایران، می‌تواند امپریالیسم را از یک دربیرون‌کننده به اقتدای مودی ترین متحدان پرودواز او سرمشق بگیرد؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند در سیمای مائوئیسم برای خود متحدی بیابد؟ و اگر چنین است، آیا متحد افراطی امپریالیسم واقعاً می‌تواند متحد مادی یک انقلاب ضد امپریالیستی هم باشد؟ و اگر چنین نیست، آیا نباید این همکار مودی امپریالیسم‌کننده را از برج و باروهای انقلاب هرچه بیشتر دور کرد و خطر و آفتون مهلک آنرا برای توده‌ها و سادگی‌ها را افشا ساخت؟

اینکه ستون پنجم امپریالیست، در لایه‌های تازها و شبه تئوری‌ها و سیاست بافی‌های مخرب مائوئیستی توانسته و می‌تواند بی‌دغدغه به میدان بیاید و اینجای آنجا مواضع سیاسی و بی‌گناهی‌ها و تبلیغاتی مهمی را اشغال کند و مهره‌های خود را، حداکثر در زیر نقاب از ریش و پاز تئوری‌مسلمانی، در پیست‌های حساس بگمارد، خود نشانه آنست که کار انقلاب در جایی سخت‌لنگ است.

مگرو زنی مخصوص گروه‌های مائوئیستی و تما می‌اعوان و انصار آنها در مجموعه جامعه ما چقدر است؟ یک دردمند؟ نیم دردمند؟ یک دمدم دردمند؟ نه، تعداد حواریون جنب‌نمای شیطان بزرگ، از اینهمه بسیار ناچیزتر است. اما آیا شاع تبلیغاتی و دامنه عمل و تاء شیرکذاری آنها هم به همین اندازه ناچیز است؟ نه و صد البته نه.

مائوئیست‌ها در بسیاری از موارد و زمینه‌ها توانسته‌اند هزاران برابر بیشتر از حجم سیاسی خود تبلیغ و تخریب کنند. نظرات خود را در سیاست رسمی، چه داخلی و چه خارجی، و در نتیجه در سیاست عمومی تبلیغاتی کشور سوخته‌اند و پیش ببرند و به نام دفاع از اسلام و انقلاب جاده را برای بازگشت شیطان بگویند. اغلب نفوذ و گسترش یک تئوری و سیاست، تئوری صحیح و وقتی رواج یابد، به نیروی مادی بدل می‌شود، در نسوج و

اذهان ریشه می‌دواند و دوجا ذبه‌ای تحرک - انگیزکسب می‌کند. این واقعیت اما ربطی به مائوئیسم ندارد. میزان صحت و حقا نیت مائوئیسم را در چهره خیانت با حاکمان بکن، که به خم‌خونی همه خلق‌ها و انقلابی‌ها دل داده‌اند و دل گرفته‌اند، به وضوح می‌توان خواند.

در ایران نیز افکار و اندیشه‌های مائوئیستی - که در سطوح بعدی متمدنات آنرا توضیح خواهیم داد، بطور طبیعی رشد نمی‌کند، توده‌گیر نمی‌شود، در جامعه ریشه نمی‌دواند، برعکس، بطور مکنکی و توسط عناصر خاصی به غلات و اندام‌های جامعه ما تزریق می‌گردد. با سوء استفاده از تریبون‌های اجتماعی و وسائل ارتباط جمعی، سعی در اشاعه و تبلیغ و تحمیل آن می‌شود. و به همین دلیل، علیرغم همه این تبلیغات رندانه و دست و پا زدن‌ها، هواداران این آیدئولوژی و تکرر، به شماری در حد یک ده هزارم جامعه نمی‌رسند. بین وجود مادی و میدان نفوذ مسعودی آنها، با امکاناتی که غمب کرده‌اند، درهای عمیق وجود دارد. و این امر بی‌دلیل نیست. برهان آن همان چسبندگی است که چرخ‌ها را در خلی آجاها لنگ کرده و خاک در چشم انقلاب ریخته است.

هیچ نظریه و سیاستی، بدون زمینه نمی‌تواند ریشه‌ها را بیاستد و تریبند. دیدگاه و اغراض مائوئیستی نیز از این قاعده مستثنی نیست. زمینه مساعد برای این اندیشه‌ها و اغراض، در درجه اول، شناخت و ارزیابی اشتباه آمیز بخشی مسئولان و متحدان جمهوری اسلامی ایران از نیرو-های انقلاب و ضد انقلاب در مقیاس مسلکی و جهانی است. این اشتباه محاسبه، که در برخی اذهان به صورت نوعی پدیدآوری درآمده، خود از یک سو تحت تاء شیرتئوری‌های مین در آوردی مائوئیستی نظیر "سازش دوا بر قدرت" و "تنز" سه جهان و

امثال آنست، و از سوی دیگر برای پناه دادن این نوع افکار و خویسیدن مهره‌ها و عوامل نشردهنده آن در مواضع حساس اجتماعی و مقام‌های دولتی‌جا باز می‌کند.

امروزه که طشت رسوائی امپریالیسم بر سر بام جهان به صد آرمه و آیدئو-لوژی بورژوازی امپریالیستی در صحنه زندگی و آزمون عمل به ورشکستگی و فضاقت کشیده نظریه‌ها و شبه تئوری‌های مائوئیستی برای امپریالیسم یک نیروی کمکی به موقع است. این شبه تئوری‌ها بر آنست تا دره ژرفی را که بین سوسیالیسم انقلابی و امپریالیسم جهان‌نوار وجود دارد، بی‌وفا ندواند و نظام از ریشه متفادرایکسان بنماید. وقتی سوسیالیسم انقلابی با امپریالیسم ضد انقلابی همسان جلوه داده شد، مسئله سازش آنها برای تقسیم غنائم جهان و سرکوب خلق‌ها، به خودی خود حل است. مائوئیسم، در نقش اسب تروای امپریالیسم، به همین حد قانع نیست. او پس از این شامورتی‌بازی به اصطلاح تئوریک، برده دوم را بازی می‌کند و نظریه عفونت بار "سه جهان" را پیش می‌کشد.

بر اساس این نظریه، دوا بر قدرت شوروی و آمریکا جهان اول، جهان متمدور ضد انقلاب، کشتارگاه و حراجگاه خلق‌ها هستند. اروپای غربی و ژاپن جهان دوم را تشکیل می‌دهند، که خود زیر چنگال دوا بر قدرت اندوا زاینروبا دوا بر قدرت تضاد دارند. کشورهای در حال رشد، که منطقه انقلابی جهان را به وجود آورده‌اند برای رها ی از چنگ دوا بر قدرت، باید با اروپای غربی و ژاپن متحد شوند.

اما این شعبده هنوز کامل نیست. شما همین که پذیرفتید دوا بر قدرت، هیچ تفاوت ماهوی با هم ندارید و هر دو امپریالیست‌اند، بلافاصله به شما شیر باش می‌دهند، که ننگ خطایان دوا بر قدرت را یک اندازه بدانید. زنه را که ابر قدرت شرق بالنده و جوان است، در حالی که ابر قدرت آمریکا "بیرکا غدی" است، شیری یال و کوپالی است، که پیرو فرسوده شده و چنگ و دندانش بکنده گراخته است. این ابر قدرت میزبند دیگر ترس و خطری ندارد، پس همه آتشی‌های جهانی به سوی ابر قدرت شرق!

جل خالق! حال معنی همسکاری مائوئیسم با امپریالیسم را بر ضد انقلاب ایران می‌فهمید؟ می‌دانید در صورت تبعیت از این سفسطه‌ها، کار ایران انقلابی به کجا می‌کشد؟ امپریالیسم انگلیس و آلمان غربی متحد و دوست ما می‌شوند، و عمل انورسادات و عمال سلطان قابوس و عربستان ملک خالد و شاهزاده-فهد و پاکستان فیاض الحق و مراکش سلطان حسن و عراق هدام حسین و شیلی پینوشه و آرژانتین ویدالا، به صورت کاشنهای انقلاب جهان درمی‌آیند، و آنوقت پرواضح است که اگر جمهوری اسلامی ایران دست در دست این رسولان انقلاب جهانی بگذارد و هم‌رنگی و هم‌رای آنها نشود، به انقلاب جهانی پشت کرده و تضاد عمده و ونه‌های را، که تضاد همه جهان با ابر قدرت شرق است، لوث کرده و آب به آسیاب ضد انقلاب ریخته است!

ساختگی بودن این شبه تئوروی و ما هیت آن برای هر عقل سلیمی از روز روشن تراست، و واقعیت بهترین مسک است و تجربه کشورها و انقلابی‌ها مشا به ما خودبخش مطمئنی از واقعیت جهانی است. تئوری‌ها و پیشداوری‌ها و بافته‌ها و ساخته‌های ذهنی را به پیشگاه واقعیات زنده ببریم و در معرض قضاوت آموزش‌ها و تجربه‌های برآمده از واقعیت قرار دهیم. حقیقت و تنها حقیقت است که می‌تواند تکیه‌گاه و ملاک دآوری ما باشد. حتی اگر نخواهیم عبرت بگیریم و بیاموزیم که در حال حاضر تمام دسیسه‌ها از جانب امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تدارک می‌شود و تما می‌وسا شکل ارتباط جمعی سراسر جهان امپریالیستی، علیه انقلاب ایران و لجن پاشی به آن بسیج شده و تنها منابع دفاع جهان از انقلاب ایران، احزاب کارگری و کمونیستی و رسانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی و ممالک مترقی ضد امپریالیستی است،

رهنمود شخصیت‌های انقلابی و ملی خود بهترین قطب نماست:

جمال عبدالناصر: "مناسباتی که با روسها داریم، در نوع خود بی‌نظیر است. آنها نمی‌تواند از قروض ما را بخشیده‌اند. آنها در پرداخت‌های ما تسهیلاتی قائل شده‌اند. آنها حتی

کوشش نمی‌کنند که قضاوت ما را تحت تاثیر قرار دهند... ممکنست شما تعجب کنید، ولی روسها هرگز درازاء پشتیبانی چیزی از ما نخواسته‌اند."

(از معا حبه با لوموند، فوریه ۱۹۷۵) له‌دوان، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام: "مردم ویتنام در تمام مراحل پر از رنج و محرومیت و در عین حال همراه با قهرمانان نیاپی درخشان مبارزات نیم قرن خود... پشتیبانی قطعی و کمکی فراوان و برارزش مردم شوروی را احساس کرده‌اند."

یاس عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین: "اگر ما امروز در مبارزه عادلانه خلق فلسطین به مواضع شوروی اتکاء می‌کنیم، بدان جهت است که این مواضع بازتاب درستین انقلاب اکتر است."

هواری بومدین، رئیس جمهور فقید الجزایر: "همبستگی موشرا تها دشوروی با مبارزه خلق‌های عرب علیه امپریالیسم آمریکا، به احقاق حقوق حقه کشورهای عرب... کمک فراوان می‌کند."

عبدالسلام جلود، عضو شورای انقلاب و نخست وزیر لیبی: "من می‌خواهم با ردیگر اهمیت و ارزش فوق العاده پشتیبانی و کمکی موشر اقتصاد و نظامی اتها دشوروی را به نیروهای انقلابی و ترقیخواه تأکید کنم. شوروی در پشتیبانی از جنبش‌های رهایی-بخش ملی و انقلاب اول سبتا مبر (لیبی) شرکت داشته و همواره طرفدار نیروهای است که در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مبارزه می‌کنند."

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا: "مف وجودا تها دشوروی ما نعی برای ما جراحی نظامی نیروهای تها و زکار امپریالیستی است. اگر چنین نبود، مدت‌ها بود که آنها برای تقسیم جهان بین خود نقشه کشیده بودند و از تها و زبه کشور-ها دیگر، که در رای نفت و مواد خام مهم دیگر هستند، ایایی نداشتند."

این نمونه‌ها، فقط مستی آخر و راست، و گرنه ذکر همه این مثنوی هفتاد من کاغذ شود. این اظهارات و نظایر پر شمار آن، تعارف و نای قرض دادن نیست. حقایقی است که زندگی و مبارزه طولانی آنرا متبلور و بارور کرده است. دروغ و مامله‌گری در شان انقلاب‌ها و رهبران آنها نیست و این جملات پیام انقلابی و رهبران خلقی از آب و آتش گذشته آنهاست.

ما به حکم مصالح انقلاب، که سرنوشت و مصلحت توده‌هاست، نمیتوانیم و حقیقت نداریم که در سها و آزمون‌های تاریخی را ندیده بگیریم، ذهنیات خود را بر واقعیات عینی مقدم بداریم و به بی‌بهره رنج و خون فرزندان انقلاب، آزموده‌ها را دوباره بیازما نسیم. چنین شیوه‌ای ناشی از غرور و خامی و خودبزرگی بیستی است. ما مرکز کائنات و تاریخ نیستیم، جزئی از آنیم

و قانومندی‌های تاریخ درباره ما همانگونه عمل می‌کنند که درباره دیگران کرده است. ما شاگردان واقعیت، چیزی از واقعیت کم نمی‌کنند، فقط سرما را به سنگ می‌زنند. یکی دانستن سوسیالیسم انقلابی، متحد عینی همه خلق‌ها و انقلابی‌ها، با امپریالیسم آدم‌خوار، دشمن همه خلق‌ها و انقلابی‌ها، نمونه خطرناک و زیانباری از حاشای واقعیت است.

خرده‌گیران ممکنست بپرسند: چه دلیلی دارد که سوسیالیسم جهانی برای یاری به خلق‌ها و انقلابی‌ها از خود ما به بگذارد؟ جواب این پرسش و شک را جمال عبدالناصر رهبر فقید مصر، که خود از خصومت خونین با سوسیالیسم آغا ز کرد و به اتحاد دنگا تنگ با آن رسید، به خیرنگار لوموند داده است: "به این دلیل ساده، که آنها هم مثل ما دشمن امپریالیسم‌اند و ترجیح می‌دهند که ما را مستقل ببینند، تا اینکه در زیر یوغ آمریکا بی‌ها و انگلیسی‌ها."

همین دو هفته پیش، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در معا حبه با خبرنگار صدای جمهوری اسلامی گفت که، شوروی می‌گوید قیمتی را که ایران برای فروش گاز خود پیشنهاد کرده، گرانتر از قیمتی است که خود ما گاز را به اروپا می‌فروشیم. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تا کید کرده که البته شوروی گاز خود را ارزانتر از قیمت‌های بی‌بنا مللی به اروپای شرقی می‌دهد و این قیمت برای ما مآخذ نیست.

ما فعلا کاری به فروش یا عدم فروش گاز به شوروی نداریم. اما می‌پرسیم: آیا همین ترمیم و تا کید، خود به بهترین وجه معرف ما هیت مناسبات کشورهای سوسیالیستی نیست؟ اگر شوروی خملت امپریالیستی داشت، روابطش همچون آمریکا و اروپای غربی و ژاپن امپریالیستی باید بر سود یکجا نیه و جپا ول و تحمیل استوار باشد. سلطه سیاسی خود در نهایت ابزار سلطه اقتصادی است. این چگونه امپریالیستی است که بجای غارت - با مطلق معاندان - "اتمار" خود، کالای خود را به قیمتی ارزانتر از قیمت‌های جهانی به آنها می‌فروشد؟

این چگونه امپریالیستی است که مغبون شدن در برابر دوستان و خلق‌های انقلابی را بر مغبون کردن آنها ترجیح می‌دهد؟ این چگونه امپریالیستی است که ۴۰ میلیارد دلار کمک همه‌جا نیه خود را به ویتنام تهرمان در طی سال‌های جنگ آزادیبخش، بلاعوضی اعلام می‌کند؟ این چگونه امپریالیستی است که نیمه از دیون سنگین مصر جمال عبدالناصر، یعنی مصر انقلابی را بصورت هدیه‌ای به خلق مصر، که درگیر جنگ تحمیلی با اسرائیل غاصب است، می‌بخشد؟

این چگونه امپریالیستی است که یاس عرفات کمکی مادی و معنوی بی‌چشمداشت آنرا در مبارزه عادلانه خلق فلسطین بزرگترین کمک به انقلاب فلسطین می‌شمارد؟

این چگونه امپریالیستی است که جنبش‌های سواپو و رزم‌آوران رودزیا تا انقلابیون طفار، از کمکی‌های بلاعوضی آن برخوردارند؟

این چگونه امپریالیستی است که کمک به نهضت‌های آزادیبخش و فساد امپریالیستی جهان رقم سنگینی از بودجه آنرا تشکیل می‌دهد و میلیون‌ها جوان آن برای کمک بیشتر به انقلابی‌ها، روزهای کار رایگان دارند؟

این چگونه امپریالیستی است که، بقول رهبران انقلاب فلسطین، هر جا خلقی برای آزادی بیجا خسته، اسلحه شوروی را در دست خود یافته‌است، و بقول رهبران ویتنام، سیاستش همواره پشتیبانی مبارزان اصیل چهار گوشه دنیا بوده‌است؟

یا همه رهبران برجسته با شکوه‌ترین انقلابی‌ها و نهضت‌های رها بی‌بخش عمر مساتر وزیر می‌کنند؟ آیا همه آنها، با لجن‌مال کردن خملت و چهره انقلاب و خلق خود، به جهان دروغ می‌گویند؟

امپریالیسم یک لفظ خشک و خالی نیست، معنی و محتوی دارد و معنی و محتوی آن، در سرشت غارتگر، تها و زکار، جپا روضد پیشرفت و ضد بشر آن منعکس است. نیرویی که در کتا رخلق‌ها و انقلابی‌ها ستد دیگر نمی‌تواند امپریالیست باشد و امپریالیست باشد، دیگر با خلق‌ها و انقلابی‌ها آتش به یک جوی نمی‌رود. درک یا عدم درک این نکته برای انقلاب ایران و رهبران و مسئولان و مجریان دولتی آن، اهمیت تعیین کننده دارد. زیرا تنها بشرها بودند این درک است که میتوان مرز مشخصی بین دوستان و دشمنان کشید و دروای ایفاظ بزرگ کرده و تئوری‌های بظا هرا انقلابی، از بپرا ه رفتن، از در غلتیدن به دام مهلا و افسون‌های بخرنج خصم تاریخی، از هدر - دادن بیهوده نیروها و امکانات و طولانی کردن روند درو دشواری انقلاب اجتناب کرد، و در عین حال جلوی رخنه عواصل رنگارنگ دشمن را به درون انقلاب گرفت.

انقلاب ما با همه انقلابی‌های خلقی و رها بی‌بخش وجوه مشترک بسیار دارد و به همین دلیل در این سیرت رتاض و میخسته به سختی و ابهام، به تجربه‌ها و سرمشق‌های آنها نیاز مند است، غفلت از این تجربه‌ها و کتا رکشیدن از دیگر خلق‌های انقلابی، ما را به انزوا میکشود و انزوا ای ایران انقلابی، رویای شیرین امپریالیسم است.

تجربه امپریالیسم به اومیا موزد که برای درهم شکستن یک انقلاب، نخست باید آنرا منفرد کرد. مگرا این تجربه به عیان در نما محرمانه برزیل، مشاو امینیتی کا رتر، به وزیر خا رجما بق آمریکا منعکس نیست؟

مگراین دستورا العمل بطور مشخص نمی‌گوید: رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتها دشوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد؟ وقتی امپریالیسم مکا را ز همه امکانات و تجربیات فدا انقلابی جهان در حد اکثر آن بهره می‌گیرد، چرا انقلاب ما نباید از تجربه‌های تلخ و شیرین دیگر خلق‌ها و انقلابی‌ها خود را روئین سازد و رخنه‌ها و ضعف‌هایش را ترمیم کند؟

یکی از وسایل بر طرف کردن این رخنه‌ها و ضعف‌ها، افشاء و طرد همه آن شبه تئوری‌ها و شگردهایی است که با انواع دوز و کلک و چشم بندی، انقلاب را از خملت و محتوایش غافل می‌کند و به سوی نا کجا آبا دهای تخیلی و با تلاق‌های سیاسی هل می‌دهد. برای اینکه از شر این شیلت‌ها و تئوری‌های فنی‌ها ظاهر - فریب معون بما نسیم، به واقعیت چشم - فقه در صده ۶

# هشدار وزارت کار و امور اجتماعی به مالکین واحدهای تولیدی را کد مانده را چگونه تلقی کنیم؟

معاون اشتغال و بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی، در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری پارس، مسائل مهمی را پیرامون تعداد واحدهای تولیدی را کد مانده، اهمیت آنها و علل رکود این موسسات تا چنانچه عنوان کرده است. بیان این اطلاعات، که ما در پائین به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم، واقعا واجد اهمیت است و نشان میدهد که یکی از جنبه‌های خرابکاری ضدانقلاب علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در کجاست.

اما جالب اینست که معاون وزارت کار و امور اجتماعی، ضمن بیان اطلاعاتی کاملا افشاکنده در مورد واحدهای تولیدی را کد مانده، اتخاذ تصمیماتی را اعلام می‌دارد که، نه فقط کمکی به راه‌انداختن فوری این واحدها نمی‌کند، بلکه بقول معروف، آب به آسیاب همان کسانی میریزد که، بخاطر مقاصد سودجویانه و ضدانقلابی خود، یک بخش اعظم از تولید کشور را تا بحال معطل نگاه داشته‌اند.

به اطلاعات افشائی معاون وزارت کار و امور اجتماعی و تصمیمات متخذه در «حل» مسئله مهمی نظیر راه‌اندازی قبل از همه، معاون اشتغال و بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی اعلام میدارد که، طبق برآورد آن وزارتخانه، مقدار واحدهای تولیدی را کد مانده، و یا دقیقتر گفته شود، را کد نگه‌داشته شده، به ۱۰۰۰ واحد میرسد، که بیشتر آنها متعلق به بخش خصوصی است. در مورد اینکه این هزار واحد چگونه واحدهای تولیدی است، معاون وزارت کار و امور اجتماعی وضع یکی از آنها را مثال می‌آورد.

چنانکه معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید، کارخانه خزرخیز در شهر تنکابن، یکی از واحدهای تولیدی را کد مانده است. در این کارخانه، که آماده بهره‌برداری است، بگفته معاون وزیر کار و امور اجتماعی، بیش از ۱۰۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده و با راه‌اندازی آن بیش از ۱۰۰۰ کارگر می‌توانند مشغول بکار شوند.

معاون وزیر کار و امور اجتماعی رسماً اعلام می‌دارد که، نظیر کارخانه فوق به تعداد زیاد وجود دارد، که مالکان آنها علاقه‌ای به راه‌اندازی واحدهای خود ندارند. معاون وزیر کار و امور اجتماعی به‌درستی خاطر نشان می‌سازد که، علت را کد ماندن کار این واحدهای تولیدی، اختلال عمده سرمایه‌داران و ضدانقلاب در کار احیاء چرخ تولیدی کشور است. معاون وزیر کار و امور اجتماعی میگوید:

«نظر باینکه بعد از انقلاب اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور دگرگون شده، بسیاری از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع از ادامه کار صنایع خود و یا تکمیل واحدهای تولیدی در دست ساخت منصرف شدند، چون دیگر سود و منافع سرشاری که در گذشته انتظار داشتند، نمی‌توانستند در جمهوری اسلامی ایران بدست آورند. به همین دلیل اکثر صاحبان صنایع یا کشور را ترک نمودند و یا در داخل کشور ماندند، ولی واحدهای صنعتی را بحال خود رها نمودند.»

که بعد در کار صنایع تولیدی کشور، آنهم در شرایط محاصره اقتصادی و تحریکت نظامی امپریالیسم، پس-گردگی امپریالیسم آمریکا، اختلال می‌کنند، تهیه می‌کند و همانگونه که خود مسئولین آن وزارتخانه اعتراف دارند، ۶۰۰ واحدی را که مشخصات کامل آن را شناسایی کرده‌اند، بکار می‌انداخت.

اما وزارت کار نه بدنبال این تصمیم، بلکه بدنبال تهیه و تصویب طرحی رفته است که، اطمینان خاطر بیشتری نسبت به ادامه کارشکنی در راه‌اندازی واحدهای صنعتی تولیدی، در سرمایه‌داران آزمندی که بزیرانقلاب عمل می‌کنند، ایجاد می‌نماید.

طبق طرح تصویبی وزارت کار و امور اجتماعی، به صاحبان هزار واحد تولیدی را کد نگه‌داشته شده، اولاً دو ماه دیگر وقت داده می‌شود، تا سر لطف بیایند و کارخانه‌ها را برآه بیاورند، و اگر لازم باشد، وزارت کار حاضر است «مدت فوق‌الذکر را افزایش دهد!» ثالثاً وزارت کار به مالکینی که بعد تا به امروز از احیاء فعالیت واحدهای مهم صنعتی خوداری کرده‌اند، پیشنهاد می‌کند که در اداره این واحدها، بصورت تعاونی شرکت کنند و از «اولویت خاصی» که وزارت کار برای آنها قائل شده، استفاده نمایند. ثالثاً وزارت کار صاحبان سرمایه‌ها را مطمئن می‌سازد که، آنها پس از بهره‌برداری، بسپای واحدهای خود را با تمام دریافت خواهند کرد.

تازه مزایایی که برشمرده‌ایم، بهترین مزایایی نیست که وزارت کار و امور اجتماعی برای سرمایه‌دارانی قائل شده، که بگفته معاون وزیر، یا کشور را ترک کرده‌اند و در خارج علیه انقلاب فعالیت می‌کنند و یا در داخل کشور باقی مانده‌اند و با را کد نگه‌داشتن واحدهای مهم صنعتی، ضربات جدی به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد می‌سازند. مزیت عمده و اساسی که وزارت کار و امور اجتماعی به این نوع سرمایه‌داران داده، اینست که، در پناه طرح تعاونی کردن، کارخانه‌هایی با هزار میلیون ریال سرمایه و بیش از یک‌هزار نفر کارگر را در ردیف صنایع کوچکی قلمداد کرده که می‌توانند در مالکیت صاحبان آنها باقی بمانند و احیاء به‌شیوه تعاونی و طبق مقررات شرکتی تعاونی مصوبه شورای انقلاب اداره شوند. ولی مقررات شرکتی تعاونی مصوبه شورای انقلاب، مورخه ۱۳۱۱/۸/۵، به‌هیچوجه شامل حال واحدهایی یا میلیاردها ریال سرمایه و هزاران کارگر نمی‌شود. بدینسان طرح راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام و متوقف وزارت کار و نیمه-های اجتماعی عملاً پوششی است برای فرار مالکیت‌های عمده سرمایه‌داری از ملی شدن، آنهم سرمایه‌هایی که صاحبان آنها، بنا بگفته خود مقامات وزارت کار «تعاینی به تکمیل و راه‌اندازی این واحدها را ندارند.»

تکیه بر این اصل که، اقدامات وزارت کار و امور اجتماعی باید «با ضابطه و رعایت کلیه اصول شرعی و قانونی مالکیت این واحدها» صورت گیرد، نمیتواند این واقعیت را، که وزارت کار و امور اجتماعی مالکیت‌های بزرگ سرمایه‌داری وابسته را عملاً زیر چتر حمایت‌خود

به اظهارات فوق نمی‌توان چیزی اضافه کرد، جز آنکه خاطر نشان سازیم، کارشکنی ضدانقلاب در احیاء صنایع تولیدی در ایران پس از پیروزی انقلاب، به این نر می‌که آقای معاون وزیر کار و امور اجتماعی از آن نام می‌برند، نیست.

واقعیت اینست که، نه تنها بحیثیت از سود و منافع سرشار، بلکه بمخالفت علنی با انقلاب، قرار گرفتن در صف ضدانقلاب و پیروی از سیاست‌های مشخص امپریالیستی در سر به‌زدن به اقتصاد جمهوری اسلامی است که اکثر سرمایه‌داران را به خودداری از راه‌اندازی چرخ صنایع و را کد نگه‌داشتن بیش از هزار واحد تولیدی، آنهم در سطح کارخانه‌هایی نظیر خزرخیز، تشویق و ترغیب می‌کند.

اما پس حال، تا اینجای مطلب نمی‌توان با معاون وزیر کار و امور اجتماعی موافق نبود که، پرداختن به حل یک مسئله بسیار مهم نظیر راه‌اندازی هزار واحد تولیدی، که در اغلب آنها می‌تواند بیش از هزار کارگر بکار گرفته شود، حتی پس از آنکه یکسال و نیم از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران می‌گذرد، همچنان در یوئه تقویق و اجمال باقی مانده است.

ضرورت راه‌اندازی فوری این واحدها امریست که تاخیر بردار نیست، و در این مورد هم باید با اظهارات معاون وزیر کار و امور اجتماعی هم‌آهنگی کامل داشت.

اما از همین‌جا بیعت است که دیده میشود، تصمیماتی که وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان طرح راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام و متوقف تهیه کرده و به تصویب شورای انقلاب رسانیده است، نه تنها کمکی به راه‌اندازی سریع این واحدها نمی‌کند، بلکه عملاً زمینه را برای ادامه کار-شکنی کارفرمایان و سرمایه‌داران بزرگ در جلوگیری از بکار افتادن چرخ‌های صنایع تولیدی فراهم می‌آورد.

خوانندگان می‌توانند که از طرح تنظیمی وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع ندارند و با آنچه درباره واحدهای نیمه-تمام به اعترافات مقامات رسمی، تا بحال را کد نگه‌داشته‌اند، آشنائی حاصل کرده‌اند، قلماً قبل از هر چیز تصور می-کنند که، وزارت کار و امور اجتماعی طرح ملی کردن فوری این واحدها را به اجرا گذاشته است. زیرا فی‌الواقع هم چگونه می‌توان کارخانه‌هایی نظیر کارخانه خزرخیز را با یک میلیارد ریال سرمایه و ظرفیت بیش از هزار نفر کارگر جزو صنایع کوچک بشمار آورد، که بتوان مسئله اداره آنها بصورت تعاونی پیش کشید؟

همچنین چگونه می‌توان انتظار داشت کارخانه‌هایی که روشن است بملکت کارشکنی سرمایه‌داران و اختلال در امر صنایع تولیدی کشور از جانب صاحبان آنها، مدت یکسال و نیم پس از انقلاب را کد نگاه داشته شده‌اند، بدست همان سرمایه‌داران بکار انداخته شوند و به بهره-برداری درآیند، بخصوص آنکه معاون وزیر کار هم اذعان دارد که، اکثر صاحبان این صنایع یا کشور را ترک کرده و یا در داخل مانده‌اند و همچنان از بکار انداختن کارخانه‌ها خودداری کرده‌اند؟

در چنین شرایطی، وزارت کار و امور اجتماعی بدون تردید می‌بایست لایحه سلب مالکیت از سرمایه‌دارانی را

کرشته، پوشیده دارد. وزارت کار و امور اجتماعی همچنین با طرح تصویبی خود واحدهای صنعتی عظیمی را که در سطح کشور دارای اهمیت است و راه‌اندازی فوری آنها از نظر تقویت مبانی اقتصادی جمهوری اسلامی فوق‌العاده ضروری است، به سطح واحدهای صنایع کوچکی که با تشکیل شرکتی تعاونی در این اواخر احیاء ایجاد شده و میشود، پائین آورده، کار راه‌اندازی آنها را به مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی وابسته به استانداریها واگذار کرده است. این شیوه برخورد نه تنها با امر مهم راه‌اندازی موسسات عظیم صنعتی تولیدی، که باید بطور متمرکز و زیر نظر مستقیم وزارت صنایع و معادن، از حالت رکود درآید، مغایر است، بلکه راه و شیوه دیگری برای مصون داشتن آنها از ملی شدن و پتی‌ماندن در اختیار سرمایه‌داران وابسته، تحت عنوان صنایع کوچک و بی‌اهمیت است.

از این مسائل عمده و اساسی که بگذرد، طرح وزارت کار بجای آنکه مبتنی بر راه‌اندازی صنایع متوقف شده باشد، متضمن تامین سود هنگفت برای صاحبان سرمایه این صنایع است. طرح وزارت کار واحدهای تولیدی را کد نگه‌داشته‌اند، اما این طرح بصاحبان سرمایه این واحدها امکان می‌دهد که باز هم به میلیاردها تومان سرمایه دولت، تحت عنوان دریافت کمک، چنگ بیاورند و این سرمایه‌های نقدی را مانند اصل سرمایه کارخانجات بخارج انتقال دهند.

هائظور که روزنامه جمهوری اسلامی بدرستی متذکر میشود، طرح وزارت کار در مورد راه‌اندازی صنایع متوقف شده «بیش از آنکه انگیزه‌ای باشد جهت... راه‌اندازی این واحدها، صاحبان آنها را بیشتر در جهت تعطیل واحدهای خود ترغیب می‌کند».

بهمین جهت روزنامه جمهوری اسلامی بدرستی پیشنهاد می‌کند که «سرمایه مربوطه «این نوع کارخانه‌ها» بفتح دولت ضبط شود».

را کد نگاه‌داشتن کار بیشتر از هزار واحد صنعتی تولیدی با مشخصاتی نظیر کارخانه خزرخیز امری نیست که بتوان همچنان نسبت به حل سریع آن لایقید باقی‌ماند و یا کار را به دادن مهلت و تشویق سرمایه‌داران وابسته به راه‌اندازی این واحدها واگذار کرد. این کار بسیار مهم مملکتی است که از نظر بکار افتادن چرخ صنایع و مملکت و تولید کار، حد متوسط برای نیم میلیون کارگر، از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

بکار انداختن سریع واحدهای تولیدی که سرمایه-داران اختلال گر و وابسته به امپریالیسم و ضدانقلاب بعد آنها را متوقف نگاه داشته‌اند، از مسائل عمده تثبیت پیروزی انقلاب و عقیم گذاشتن توطئه امپریالیسم چنایستکار و سرسپردگان ایرانی آن در داخل کشور است. به امور مهم مربوط به سرکشت انقلاب نمی‌توان لایقید و بی‌انتنا نگاه کرد. این امور باید با قاطعیت انقلابی و بر پایه تامین منافع عموم خلق سرعت و با فوریت حل و فصل گردد.

## اعلامیه سازمان حزب توده ایران در اتریش: از هم‌میهنان دعوت می‌کنیم که بدفاع از دانشجویان مبارزه ایرانی مقیم امریکا برخیزند

هم‌میهنان و دانشجویان مبارز! در هر کجا که هستید و یا هر وسیله که در اختیار دارید، ندای اعتراضی خود را علیه اعمال ددمنشانه امپریالیسم آمریکا و پلیس فاشیست آن در مورد دانشجویان ایرانی مقیم امریکا بلند کنید.

هم‌میهنان عزیز! در هر کجا که هستید، در محیط کار و زندگی و تحصیل، تمام کوشش خود را در راه شناساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران (به گفته امام خمینی انقلاب مستضعفان) به‌جانبان بکار برید.

جرم ایران پس از سرنگونی رژیم خونخوار و سفاک پهلوی به مبارزه خود علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عمال آن در ایران ادامه میدهند. در این دوران صف‌بندی نیروها هر روز مشخص‌تر میشود. وظیفه هر ایرانی وطن‌دوست آن است که امروز هر چه بیشتر در راه معرفی اعمال وحشیانه امپریالیسم آمریکا علیه مردم ما کوشا باشند.

از یکسو نیروهای خلقی به‌رهبری امام خمینی، از انقلاب سرسختانه دفاع می‌کنند و ازسوی دیگر عناصر و مبره‌های ارتجاع از بزرگ-سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکین گرفته تا ساواکی‌های سابق و گروهک‌های

ضدانقلابی مائوئیستی و بختیارها و اویس‌های کودتاچی و همه ضد-انقلابیون دست در دست هم داده و با کمک امپریالیسم جهانی، به سر-کردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب شکوهمند ما متحد شده‌اند و کوشش بر این دارند تا انقلاب ما را به شکست بکشانند. در این-زمان وظیفه تمامی نیروهای آگاه و خلقی است که در یک جبهه واحد علیه دشمنان انقلاب متحد شوند. حزب ما چه قبل و چه بعد از انقلاب، مدام از نیروهای مومن به انقلاب دعوت برای تشکیل به این جبهه کرده است. بار دیگر از هم‌میهنان دعوت میکنیم که با امکانات ممکن هر چه بیشتر، از دانشجویان مبارز ایرانی مقیم امریکا، که تحت فشار-های گوناگون قرار گرفته‌اند، به دفاع برخیزند.

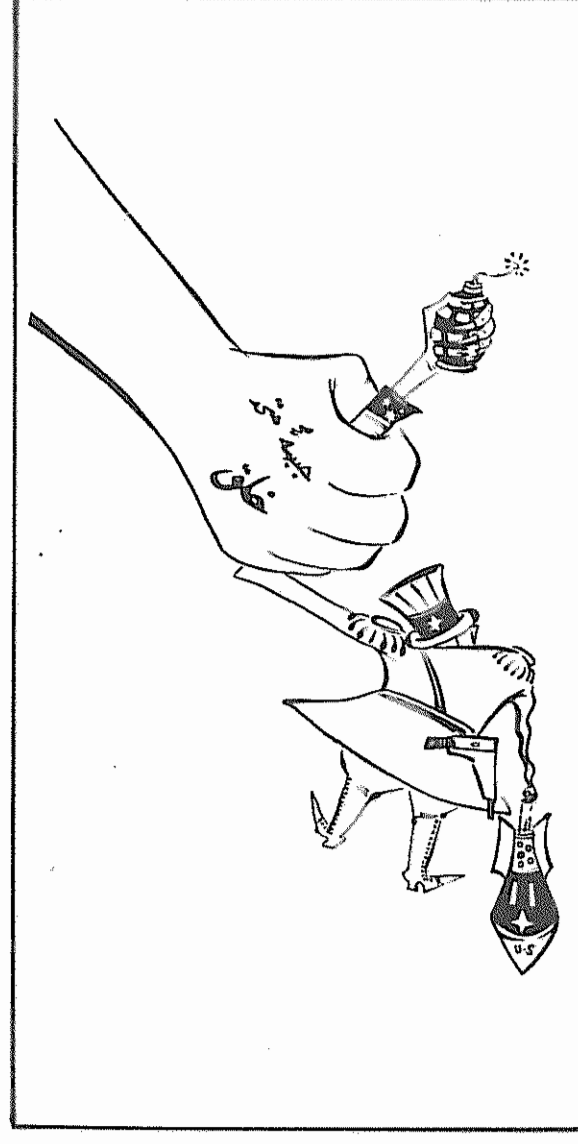
ما در اینجا باز دیگر از همه سازمانها و گروههای خلقی و ضد-امپریالیستی دعوت میکنیم که به‌این دعوت حزب ما پاسخ مثبت دهند و با تشکیل جبهه متحد خلق، به استحکام و پیشبرد اهداف انقلاب کمک کنند.

پیش به سوی جبهه متحد خلق! سازمان حزب توده ایران در اتریش

## حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب: در مقابل تهدیدات امپریالیسم امریکا، انقلابی نیاز دارد

حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب، درارتباط با تصفیه‌ها و پاکسازیهایی که در آموزش و پرورش این شهرستان انجام گرفته و «می‌گیرد، اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به عملکرد غیرانقلابی و سازشکارانه دولت موقت در زمینه افساء و دستگیری مزدوران ساواک و عوامل ضدانقلاب، آمده است: «... خوشبختانه رهبری قطع امام خمینی و توان و شور انقلابی توده‌های مستضعف و وجود عناصر صدیق و انقلابی از روحانیت، مبارز و سایر اقتدار و گروهها و احزاب وفادار به انقلاب، مانع از آن شد که انقلاب در سرانسیب سقوط افتد. اکنون که اینجا و آنجا فبرست اسامی ساواکیها افساء می‌گردد، حق این است که مسئولین در اسرع وقت در راه انتشار لیست ساواکیهای شهرستان و استان بکوشند و با شناسائی و تعقیب ساواکیها و چماق-داران آریامبری و بختیاری، امکان هرگونه فرصت‌طلبی و تغییر رنگ را از آنان سلب کنند...»

آنطور که دیده می‌شود، اداره آموزش و پرورش اسلام‌آباد غرب تعدادی از عناصر و صحنه‌گردانان رژیم گذشته را مشمول پاکسازی قرار داده است و این‌جای خوشوقتی است. اما آنچه نگران‌کننده، بومی‌انگیزد، وجود برخی افراد صدیق و مومن به



# اتحادیه دهقانان چیست

## و چرا باید آن را تشکیل دهیم؟

با نهادهای انقلابی و دولتی این خواست‌ها را عملی سازند

در اتحادیه دهقانان همه اعمای اتحادیه باید با هیئت مدیره اتحادیه، که خود شان انتخاب می‌کنند، همکاری کنند تا کار از پیش برود.

**برای تشکیل اتحادیه دهقانان چه باید کرد؟**

هرکدام از ما باید با اعضای خانواده و آشنایان و دوستان خودمان درباره اتحادیه صحبت کنیم. بعد، روزی یا شبی قرار بگیریم و در محل مناسبی - مثلا در مسجد ده، یا مدرسه یا هرجای دیگر - دور هم جمع شویم و منظور از تشکیل اتحادیه را کاملا روشن کنیم. هر قدر بیشتر افراد فعال، که به تشکیل اتحادیه دهقانان علاقمندند، در این جلسه شرکت کنند، بهتر خواهد بود. بر اساس خواست - هائی که دهقانان مطرح می‌کنند، اساسنامه اتحادیه را می‌نویسیم و بعدا در اولین فرصت کلیه دهقانانی را که علاقمند و داوطلب باشند، دعوت می‌کنیم، تا در جلسه "جمع عمومی اتحادیه دهقانان" حاضر شوند و اساسنامه را تصویب کنند.

در این جلسه هیئت مدیره اتحادیه و رئیس اتحادیه را انتخاب می‌کنیم و قول می‌دهیم که در پیشرفت کار اتحادیه به آنها، تا آنجا که می‌توانیم، کمک کنیم و اتحاد خودمان را حفظ کنیم.

سورای ده، که دارای مقدرات اجرائی و امکانات و اختیارات است، باید از منافع مشروع اتحادیه دفاع کند و برای تامین خواستههای اتحادیه از هیچ کوششی منصرف نکند. اتحادیه دهقانان هم وظیفه دارد که از سورای مردمی ده حمایت و پشتیبانی کند و پیشنهادها و خواستههای دهقانان را به سورا بدهد و با آن همکاری صمیمانه کند و در بسیج نیروی دهقانی برای خودیاری و اجرای تصمیمات سورای ده بکوشد.

\* اگر متحد باشیم موفق خواهیم شد.

\* اتحادیه دهقانی خود را تشکیل دهیم.

به تشکیل تعاونی‌های خود برای تولید و مصرف و فروش کمک کنیم.

- برای بدست آوردن محصول بیشتر و مرغوب‌تر، از راه گرفتن وسایل کشاورزی، مانند تراکتور و کمباین و نیز بذر مرغوب و کود و اعتبارات مالی و وام تولیدی با شرایط مساعد.

- برای کوشش یکدل و یک جهت، تا مقامات مسئول آب زراعی را تامین کنند و به تعمیر و لارویی قنات‌ها و حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق توجه نمایند.

- برای نوسازی و عمران روستایی و برای داشتن امکانات رفاهی مانند مدرسه و درمانگاه و مسجد و کتابخانه و آب آشامیدنی و برق و در یک کلمه، برای داشتن زندگی بهتر.

**چرا باید اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهیم؟**

هیچکدام از ما به تنهایی نمی‌توانیم به این خواستههای مشروع و به حق خود برسیم. ولی هرگاه متحد باشیم، حرف ما در رو خواهد داشت و ما به همه خواسته‌های خود، به همه حقوق حقه خود خواهیم رسید. پس بیایید در هر جا که هستیم اتحادیه دهقانان ده خود را تشکیل دهیم. با نیروی اتحادیه‌های دهقانی می‌توانیم با سورای ده، که خیلی مهم است و دارای اختیارات و امکانات اجرائی است، با ادارات دولتی و با نهادهای انقلابی، بخصوص جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، تماس بگیریم، حق خود را بخواهیم و خواسته‌های خود را مطرح کنیم. یکدست صدا ندارد. اما اتحادیه، صدای متحد است، که در جامعه انقلابی ما شنیده خواهد شد.

**اتحادیه دهقانی چیست؟**

اتحادیه دهقانان، یعنی این که دهقانان زحمتکش یگروستا، یا چند روستای نزدیک بهم، که بخواهند به هدف‌هایی که کتیم برسند و میل داشته باشند که برای رسیدن به خواسته‌های مشروع و برحق خود همکاری کنند، با هم متحد شوند و بر اساس خواسته‌های مشروع و مبارزه قانونی و طرح و تنظیم خواسته‌ها و اشتراک مساعی

**دهقانان عزیز!**

انقلاب بر شکوه ما بهره‌ری امام خمینی هر روز بیشتر گسترش می‌یابد و بر بیکر بلید شیطان بزرگ - امریکای جنایتکار - زخمی‌های کاری‌تر وار می‌کند ولی شیطان بزرگ و نوکران و همدستان داخلی او، یعنی ضدانقلاب، بیکار نیستند و هر روز و هر ساعت به توطئه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه جدیدی دست می‌زنند.

مالکان و سرمایه‌داران بزرگ ارضی و همدستان آنها، از روزی که فهمیدند طبق فاسون باید زمین‌های غصبی آنها مصادره شود و به دهقانان تهیدست، که آباد کننده زمین هستند، واگذار گردد، در روستاها بر دامنه شیطنتها و دسیسه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه خود افزوده‌اند و سعی می‌کنند از اجرای قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند. آنها موتورهای چاه‌های آب، تراکتورها و ماشینهای کشاورزی را خراب می‌کنند، مزارع را ویران می‌سازند، کود و بذر را می‌برند و غارت می‌کنند، حتی خرمن‌ها را آتش می‌زنند، بین دهقانان دودستی و دعوا راه می‌اندازند و عمال خود را، اعم از چاق‌دار یا روحانی‌ها، به میدان می‌فرستند.

دهقانان عزیز! ما در این شرایط وظیفه داریم که از انقلاب بزرگمان و از زندگی خودمان دفاع کنیم و نقشه‌های ضدانقلاب را نقش بر آب سازیم و بهانه‌های آن را بگیریم. کشاورزی را شکوفان کنیم و بوضع ده و زندگی خودمان سروصورتی بدهیم. مازمانی موفق خواهیم شد که متحد شویم، و برای این کار، اتحادیه‌های خود را تشکیل دهیم.

**چرا ما دهقانان زحمتکش باید متحد و یکپارچه باشیم؟**

- برای بیروزی در مبارزه بر ضد شیطان بزرگ امریکا و شیطانکهای دست‌نشانده آن، برای رهایی از ظلم و ستم بزرگ مالکی، برای مبارزه با سلف‌خران و دلالان و واسطه‌های سودجو و ریاخواران، برای آنکه بتوانیم برادروار کار و زندگی کنیم.



تمام ثروت این پیرزن روستائی همان بچه‌هاست که بر روی سرش، هنگام برگشت از یکشنبه‌بازار، حمل می‌کند. محتوی این بچه مقداری کار دست و کالاهای ارزان‌قیمتی است که در یکشنبه‌بازار کیاکلا (قائم‌شهر) عرضه شده‌است. سالخوردگان کشور، بعد از سالها تلاش و کار، باید از بیمه و زندگی راحت برخوردار باشند.

## زمینه فعالیت ضدانقلاب را با هویشیاری و قاطعیت باید از بین برد به خواسته‌های بحق مردم بندر دیلم رسیدگی کنید

بندر دیلم یکی از بخش‌های استان بوشهر است، که تمام و کمال مهر عقب - ماندگی میراث رژیم شاه سابق را بر خود دارد.

در میان تمام عقب ماندگی‌های این شهر، باید از جمله از خرابی عظیم وضع آب و برق نام برد. از اول تابستان، مردم دیلم در هر ۲۴ ساعت، سه ساعت برق داشتند، که اخیراً "برای خراب شدن آخرین ژنراتور مولد برق، شهر در بی‌برقی کامل بسر می‌برد. نبودن برق باعث شد، که بیخ‌نیز در شهرها یا بگردود در این تابستان داغ جنوب زندگی مردم شهر به کلی فلج شود. اخیراً "از طرف بخشدار و وجه‌مسئول سازندگی بندر دیلم تصمیم گرفته شد که از برق سرتاسری سددز برای بندر دیلم استفاده کنند. و بر این منظور در مذاکرات تیرهای برق برآمدند. مستعجاب آن زمینداران کلان و بازرگانان بزرگ، که هیچ نظر خوشی به انقلاب ندارند، در سودا استفاده از این وضع برآمدند و با توجه به خواست روستائیان مبنی بر داشتن برق، آنها را تحریک کردند که جلوی احداث تیرهای برق را بگیرند. ضدانقلاب کوشید که به دهقانان اینطور وانمود سازد، که دولت به هیچ وجه در فکر آنها نیست و برق را فقط برای شهری خواهد داد.

از طرف دیگر تعدادی از نیروهای ضد - انقلابی در بندر دیلم در مدتها تحریک بیشتر مردم برآمده‌اند و می‌کوشند مردم شهر و روستا را به جان یکدیگر بیندازند. ماضن محکوم کردن این توطئه‌ها ضدانقلاب، از مقامات مسئول مملکتی می‌طلبیم که به خواست به حق مردم دیلم و روستاهای اطراف رسیدگی کنند و نگذارند که در این گرمای طاقت‌فرسای تابستان جنوب، بیش از این به مردم رنجیده دیلم فشار وارد آید. نباید گذاشت که عوامل امپریالیسم آمریکا، زمینداران بزرگ و گروهکهای ضدانقلابی از این وضع مردم دیلم سوء - استفاده کنند. باید با بر آوردن خواست‌های به حق مردم دیلم و روستاها، طرف، از زیر پای ضدانقلاب را خالی کرد و زمینه هرگونه فعالیت در جهت تضعیف انقلاب را از بین برد.

## مسائل دهقانان از زبان وکلای مجلس حجت الاسلام محسن رهامی نماینده خدا بنده

آقای حجت الاسلام محسن رهامی، نماینده خدا بنده در مجلس شورای اسلامی ایران، ضمن گفتگویی با خبرنگار کیهان در ضمن تشریح موقعیت جغرافیائی خدا بنده، پاره‌ای از مشکلات دهقانان حوزه انتخابی خود را مطرح و گفت:

"منطقه ما یکی از مناطق فراموش - شده مملکت است، بطوریکه وقتی بنده در مجلس اظهار داشتم نماینده خدا بنده هستم، عده‌ای حتی نمی‌دانستند که خدا بنده کجاست. منطقه ما منطقه محرومی است بین ابهر - زنجان - بیجار - قزوین و همدان با بیش از ۹ هزار کیلومتر مربع وسعت و چهارصد روستا و یک شهر و نزدیک به دویست هزار نفر جمعیت.

مردم خدا بنده و روستاهای اطراف آن از طریق کشاورزی رزاق می‌کنند و این در حالیست که زمینها در دست فئودال‌ها و به اصطلاح گردن کلفت‌های منطقه است و چون اصولاً استان زنجان منطقه خا نژاده و فئودالی بوده است، شمار روستایی را نمی‌توانید پیدا کنید که در آنجا خان یا فئودالی غالب زمین‌های حاصلخیز را در اختیار نداشته باشد. از طرفی چون مردم نمی‌توانند از راههای دیگر زندگی کنند و زمین و آب هم به اندازه کافی ندارند، این است که مجبور می‌شوند برای کساردن کارگاهها و مراکز کارخانه‌ای به سوی شهرها و مراکز سرازیر شوند، که این مهاجرت‌ها در غالب اوقات نه تنها وسیله آرامش و آسایش آنها را در شهرها فراهم نمی‌آورد، بلکه به عکس علاوه بر ایجاد مشکلات اجتماعی، موجب می‌شود که از سطح تولیدات کشاورزی و دامی به مقدار قابل توجهی کاسته شود، و من پیشنهاد می‌کنم که دولت ایجاد مراکز صنعتی در این

## به خواسته‌های آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی رسیدگی کنید

اخیراً "عده‌ای از عناصر سود جو و فرصت طلب، با سوء استفاده از خواست آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی برای مسکن، گروهی از آنها را به نام "کمیته" محل نژد کمیته‌ها مام برده‌اند ولی در آنجا نام خویشاوندان و آشنایان خود را به بنیاد مسکن داده‌اند، آن‌ها زمینهای با یرمقابل آلونکها را، که در واقع باید به آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی داده شود، بین خود تقسیم کرده‌اند.

این عمل باعث ناراحتی و خشم شدید آلونک نشینهای خیابان زنجان جنوبی شده است، بطوریکه با ارسال نامه‌ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، خواستار رسیدگی به وضع خود شده‌اند. در قسمتی از این نامه آمده است:

"ما از نمایندگان مجلس خواهانیم که هر چه زودتر این مسئله را در مجلس مطرح نمایند، تا به این کار رسیدگی شود. ما به شمارای دادیم و از شما توقع داریم، نمایندگان ما باید به دردمان برسند و مشکلات ما را حل کنند. چرا باید بعدالتمنای این حدیث که عده‌ای دغل باز از ما استفاده کنند و برای خود مسکن تهیه نمایند."

عدالت را اجرا کنند، آنرا به حساب اسلام، نگذارند. انشاء الله در آینده نزدیک با همکاری مردم و مجلس شورای اسلامی بر مشکلات قائق خواهیم آمد. دهقانان ستمدیده کشورمان به حق از نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتظار دارند که از تریبون مجلس ندای حق - طلبانه آنان علیه سیستم خانهداران بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم انعکاس یابد. مجلس شورای اسلامی میتواند با بدحلال مشکلات دهقانان زحمتکشها شد.

منطقه را در مسائل اقدامات عمرانی آینده خود قرار دهد.

آقای رهامی ضمن تشریح مشکلات دیگر دهقانان، از جمله نقایص موجود در بهداشت، آموزش، راههای ارتباطی، کمبود آب آشامیدنی و کمبود بودجه جهاد سازندگی برای فعالیت‌های عمرانی گفت:

"چون اعتباری که برای منطقه خدا بنده و حومه در نظر گرفته شده است، در مقابل نیازها و خواست‌های بسیار ناچیز است، چنانچه اعتبار کافی برای منطقه خدا بنده در نظر گرفته شود، شرایط ایجاد مجتمع‌های کشاورزی و دامی زیاد و نیروی انسانی نیز به اندازه کافی وجود دارد و من فکر می‌کنم که این بهترین راه برای جلوگیری از خروج روستائیان به شهرها شده. بنابراین امیدواریم که در آینده نزدیک به این موضوع تیز رسیدگی شود."

مسئله دیگری که آقای رهامی بعنوان یک مشکل اساسی مطرح ساخت، کمبود نیروهای انتظامی برای تأمین امنیت منطقه است. وی خاطرنشان کرد که:

"این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، چون خدا بنده به سبب موقعیت خاص خود در معرض خطرات احتمالی ناشی از تجاوز و توطئه ضدانقلاب قرار دارد، که البته این موضوع را بنده به وزیر محترم کشور، دادستان انقلاب و سایر مقامات مربوطه یادآوری کرده‌ام."

آقای رهامی در پایان صحبت‌های خود با تکیه به ضرورت حل مسائل دهقانان، گفت: "یقیناً" تا مین زندگی مردم و به خصوص روستائیان در کناره‌های عدالت اسلامی است و این دو مکمل هم هستند. و من عقیده دارم که بدون تأمین زندگی روستائیان امکان برقراری عدالت اسلامی محال است و در چنین صورتی این عدالت نیست و من حکومت اسلامی را با این وضع لفظی بیش نمی‌دانم. ما همه جا به مردم این وعده را داده‌ایم که آنچه تا به حال شده و نتوانسته

# گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

# مائوئیسم...

بدوزیم، سرست انقلابیان را عمیقاً درک کنیم و شعارهای میان تپه و سراب آفرین را، که ما را بدنبال نخودسیاه می‌فرستد و حقیقت زنده را فدای رویاهای بی‌سرنوشت می‌کند، به رباله‌دان بیندازیم.

وقتی میکوشیم خصلت عینی انقلاب ما، مثل همه انقلابیای بی‌روزمند مشابه خدا میریالیستی است، معنای علمی و اصولی این سخن را دریا فت کنیم، خصلت عینی خدا میریالیستی انقلاب ایران یعنی چه؟ یعنی اینکه انقلاب به غارت افسارگسیخته مالی و اقتصادی و سیاست ارباب منشا نه سیاسی و نظامی امپریالیسم جهانی و بویژه سرکرده آنها آمریکا در ایران و منافع استراتژیک آنها در منطقه، سرده‌های چنانچه نومرگباری زده است. آسوی‌سادی انقلاب ایران با امپریالیسم، جوهرناریخ معاصر ایران است:

کودتای خانما براندا زاسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ به‌ابتکار اروپا نخلسارت مستقیم امپریالیسم انگلیس و آمریکا انجام گرفت. بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکا و شبکه جهانی ساواک زیرکنترل دقیق سیا و انضامیت سرویس ایران را به‌صورت مستعمره تمام عیار و غیررسمی آمریکا درآورد. ده میلیارد دلار هزینه نظامی و جاسوسی و تسلیحاتی توسط امپریالیسم اروپای غربی و آمریکا برای سرازیر کردن دلارهای نفتی به جیب کشاد کمپانیهای امپریالیستی بما تحمیل شد. با زار تولید طبیعی اقتصاد کشاورزی ما با طرحهای مشخص کارشناسان غربی بسره زوال سوق داده شد. مایع و مپره رنگ زده‌ای از ما سبب عظیم نظامی و زارنده‌کننده‌ای از با زار جهانی سرمایه امپریالیستی بودیم. برای اینکه به این فلاکت پایان دهیم، با نادان ساختار سرنوشت را از بیخ و بن برکنیم، یعنی ریشه‌های مسموم امپریالیسم را در اس خاک خشکانیم. واقعیت عینی یعنی این مبارزه واقعی و بی‌انحراف یعنی این، و همه آن پرنامه‌ها و سیاست‌ها و شوریهایی که از "جیب" و راست میخواد هدایت بدیجی‌ترین وجه و وظیفه انقلاب مسارا ماستمالی کند، جوی دشمن اصلی و حاضر را با دشمن فرعی و موهوم عوض کند و انقلاب نوزاد ایران را از زهم زار دشمن، جبهه انقلاب جهانی، منزوی سازد، با هر شکل و شمایل که وارد شود، تنها در خدمت یک نیروسوت: امپریالیسم!

مائوئیسم این نیروسوت. این گسریک زبیده در پوست میث است. اگر این گسریک در جایی از دنیا، به یک انقلاب ضد امپریالیستی کمترین مددی رسانده، به انقلاب ما هم میتواند برساند. اما آنکه در خیال جفانی دستش در دست آمریکا و بوجه‌های قدونی مقدمات است، چگونه میتواند علیه آمریکا و متحدانش باشد؟

چنانکالی در کار انقلاب ما وجود دارد که، اینجا و آنجا، مائوئیسم‌ها اندیشه‌های عربان و فعالان را میتوانند با پوشی از ریش و سبایی از تسبیح و آداب نمازی بیبوسا بند و برایش مشتری دست و پا کنند؟ کجای کار را براد دار دکده بدن انقلاب این تزیینات سعی را قاطعانه دفع نمی‌کند و منافع میکرب زای آنرا درهم نمی‌کوبد؟ انقلاب شکوهمند ایران چه وجه مشترک و تقاهم آرمانی میتواند با همدستان و پاندازان ارتجاع ضد خلقی جهانی داشته باشد؟

تامل روی این سوال هیچ کمتر از یک وظیفه انقلابی نیست.

هنگامی که بیشتر از همه به عناصر مصادق خدا میریالیستی مذهبی است که خطر مائوئیسم را دست کم نگیرند. مما سات و حتی بی‌تفاوتی در برابر ترندهایی که تبلیغات "دوا بر قدرت" و نظریه "سه‌جهان" و تخطئه دیگر انقلابها مظاهر شناخته شده و بارز آنست، مما سات با امپریالیسم و مجال دادن به خدا انقلاب نقابدار است. مبارزه ضربخشی با مائوئیسم‌ها، در هر لباسی که هستند، طرد آنها از دستگا‌های دولتی، جلوگیری از اخلال آنها در خارج از دستگا‌های حکومتی، فقط با مبارزه با نظرات آنها و فضای کنه این نظرات میسر است. چنین مبارزه‌ای جامع را در برابر یکی از مژده‌ترین میکرب‌های خدا انقلابی و اکسینه می‌کند. آخر، متحدان شیطان بزرگ هم مثل خود او سید، بی فکر میکنند. شیطان، علی‌رغم زبان نرم و نرمش، افسون شدگان را تنها به یک جا هدایت میکند: جهنم...!

# حمله نظامی دولت صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه

نیروهای اسرائیل سه‌شنبه شب (۲۹ مرداد) در جنوب لبنان به‌مواضع فلسطین حمله کردند. طبق اظهارات سخنگوی ارتش اسرائیل، این حمله در منطقه "ارنون ریج" در امتداد رودخانه لیتان صورت گرفت. در نتیجه این حمله چندین فلسطینی و چند نفر لبنانی کشته شدند. در این حمله مواضع توپخانه، خیابان‌اندازها و سلاح‌های ضد هوایی فلسطین در این منطقه نابود شده‌است. سخنگوی ارتش اسرائیل افزود که این حمله بخشی از عملیات تعرضی است که منظور خنثی کردن حملات بدنیال این حملات، برابر اخبار و گزارشهای منتشره در مطبوعات، نیروهای اسرائیل در ساعت ۳ بامداد چهارشنبه ۳۰ مرداد، با استفاده از هلیکوپترهای نظامی در چهار نقطه در جنوب لبنان پیاده شدند. چریکهای فلسطینی در این چهار نقطه در برابر واحدهای متجاوز اسرائیلی مقاومت کردند و در نتیجه واحدهای اسرائیلی پس از چند ساعت مجبور به عقب‌نشینی و از این نقاط در جنوب لبنان خارج شدند. بامداد روز سه‌شنبه (۲۹ مرداد) هواپیماهای جنگی اسرائیلی پایگاههای چریکهای فلسطینی در اطراف شهر "بدفورت" را بمباران کردند.

غسان توفی، نماینده لبنان در سازمان ملل متحد، علیه تجاوزات جدید اسرائیل، از جمله حمله هوایی اخیر و پیاده کردن کماندوهای اشغالگر در شمال شهر میدون، در روزهای ۲۳ و ۲۴ مرداد، به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد اعتراض کرد.

عملیات تجاوزی نیروهای مسلح اسرائیلی در جنوب لبنان علیه رزمندگان فلسطینی، که بدنبال اقدام سیاسی ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل انجام می‌گیرد، بار دیگر موبد این واقعیت است که رژیم صهیونیستی اسرائیل به نقشه‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه خود علیه کشورهای عربی مورد تجاوز و بویژه خلق عرب فلسطین همچنان ادامه میدهد و تلاش دارد خلق عرب فلسطین را از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی محروم کند.

نقشه‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه اسرائیل را نباید جدا از سیاست کلی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه و استراتژی نظامی جهانی آن بررسی کرد.

اسرائیل در جنگهای تجاوزکارانه خود علیه مصر و سوریه و لبنان و اشغال سرزمینهای این کشورها و خلق عرب فلسطین، همواره مورد پشتیبانی کامل آمریکا بوده و این جنگها با کمک نظامی و حمایت سیاسی آمریکا انجام گرفته است. مراقاتنامه‌های کمپدوید میان اسرائیل و رژیم خیانته‌سوات، که موجب تثبیت نتایج تجاوزکاری اسرائیل و پایمال کردن حق تعیین سرنوشت خلق عرب فلسطین و محروم کردن آن از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی گردیده، بخشی از طرحهای تجاوزی امپریالیسم آمریکا علیه کلیه رژیمهای مستقل ملی و جنبشهای رهایی‌بخش خلقهای این منطقه است.

پس از تحولات انقلابی، که در این منطقه روی داد و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، انقلاب دموکراتیک در افغانستان و تشکیل جبهه پایداری از کشورهای مستقل ملی عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل، اسرائیل بیش از پیش به سرک تجاوز و کانون توطئه علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه تبدیل شد.

برابر اسناد و مدارکی که در مطبوعات کشورهای مختلف جهان بازتاب یافته، دولت اسرائیل، پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری رچناپتکار شاه سابق در ایران، در تمام توطئه‌های سیاسی و نقشه‌های مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مستقیم‌ترکت داشته است. بسیاری از اسواک‌های فراری و دیگر عناصر ضدانقلابی در اسرائیل متمرکز شده‌اند و از جانب ماساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) سازمان و تعلیم داده میشوند و برای شرکت در توطئه‌های نظامی و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران، به ایران اعزام می‌گردند. ماموران عالی‌رتبه سازمان جاسوسی اسرائیل و ژنرالهای ارتش اسرائیل با اختیار، اویسی، بالیزبان و اشرف، خواهر معلوم الحال شاه سابق، دژ تماس دائمی هستند و طرحهای توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب جمهوری اسلامی ایران را بررسی میکنند. دولت اسرائیل و کارشناسان نظامی آن در تدارک برای اجرای این طرحها شرکت فعال دارند.

حملات نظامی چندروز اخیر نیروهای مسلح اسرائیل به جنوب لبنان و بمباران مواضع فلسطینیها، ضمن اینکه هدف تضعیف و درهم شکستن مقاومت سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری را دنبال میکند، بخشی از توطئه کلی امپریالیسم آمریکا علیه رژیمهای مستقل ملی در منطقه و علیه انقلاب و جمهوری اسلامی است. امپریالیسم آمریکا، با پشتیبانی از عملیات تجاوزی اسرائیل در جنوب لبنان، تلاش دارد که اوضاع منطقه را هرچه بیشتر متشنج سازد و بوسیله اسرائیل یک درگیری مسلحانه به مقیاس منطقه ایجاد کند، تا استفاده از چنین وضعی، بتواند نیروهای مسلح خود ترا که در تمام پایگاههای دریایی و زمینی در این منطقه حضور دارند، وارد عمل سازد و احتمالاً طرحهای مداخله مسلحانه علیه ایران را منظور براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران از این طریق پیاده کند.

در برابر این توطئه‌های تحریک‌آمیز و نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و دیگر رژیمهای دست‌نشانده آمریکا، که علیه جمهوری اسلامی ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری است، اتحاد و همبستگی همه کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی در برابر تجاوز اسرائیل و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا از عواملی است که میتواند به استحکام مواضع انقلابی و ضد امپریالیستی این کشورها و همچنین مواضع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مساعدت کند و نقشه‌های تجاوزی و طرحهای توطئه امپریالیسم آمریکا و دست‌آزان آنرا در منطقه به شکست و ناکامی محکوم سازد.

## رویدادهای جهانی

شورای جهانی صلح مردم جهان را به گسترش مبارزه علیه سیاست تحریک‌آمیز آمریکا دعوت کرد

شورای جهانی صلح باصلاح استراتژی جدید هته‌ای آمریکا را دعوت و تحریکی بسوی جنگ خواند و اعلام کرد که مفهوم امکان استفاده محدود از سلاحهای هسته‌ای از نظر نظامی بوج و خطرناک است.

شورای جهانی صلح تأکید کرد که دکترین جدید کاخ سفید قسمتی از سیاست خارجی آمریکا است، که از جمله استقرار موشکهای جدید هسته‌ای در اروپا، تقویت نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس و حفظ صدها پایگاه در کشورهای دیگر از اجزاء آن است.

شورای جهانی صلح از همه مردم باحسن‌نیت جهان خواست که مبارزه را علیه این سیاست تحریک‌آمیز گسترش دهند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، با تاه وبب قطعنامه‌ای، تصمیم موروست‌های تل‌آویو را در مورد تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل محکوم کرد

آمریکا به این قطعنامه رای مثبت داد. رای متع نماینده آمریکا بار دیگر نشان میدهد که صهیونیست‌های تل‌آویو در تجاوز علیه خلقهای عرب تاجحد از حمایت اربابان آمریکائی خود برخوردارند.

ادویند ماسکی وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است که چون قطعنامه "متعادل" نبوده، آمریکا به آن رای متع میدهد!

از نظر امپریالیسم آمریکا "متعادل"، بدان معنی است که فلسطینی‌ها و اعراب، که قربانیان تجاوزات بربرانه منشاء صهیونیستی و امپریالیستی هستند، نیز محکوم شوند!

از سوی دیگر ناظران سیاسی در سازمان ملل اعتقاد دارند که آمریکا در واقع مایل بوده است که قطعنامه بمعوبه شورای امنیت را وتو کند، اما بخاطر اینکه مزدوران سرسپرده خود مانند ملک‌خالد، سادات، ملک‌حسن و شیوخ مرتجع خلیج فارس را، که از ترس ملت‌های خود در هتته‌های اخیر، در حرف با تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل مخالفت کرده‌اند، بیش از پیش متشنج نکند، رای متع داده‌است.

## خلق ستم‌دیده شیلی مبارزه علیه دیکتاتوری خون‌آشام پیئوشه را گسترش میدهد

خبرگزاری اسپانیا در گزارشی اعلام کرد که تظاهرات بزرگی در ساتیاگو پایتخت شیلی علیه داور دسته فاشیستی پیئوشه برپا شد و تظاهرکنندگان در خیابانهای اصلی شهر راهپیمائی کردند و علیه به‌اصطلاح فراندوم یازدهم سپتامبر، سالگرد کودتای خونین، شعار دادند. تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند که این "فراندوم" حمله‌ای از سوی رژیم برای قانونی کردن نظام دیکتاتوری سرسپرده است. پلیس مزدور شیلی به تظاهرکنندگان حمله کرد و دهها تن بازداشت شدند. از سوی دیگر، بنابه گزارش همین خبرگزاری، در حومه‌های ساتیاگو شب‌نامه‌هایی علیه رژیم دست‌نشانده شیلی و اربابان آمریکائی آن پخش شده است.

## در جهان سوسیالیسم

افزایش درآمد ملی در کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی

آخرین آمارهای، که جندی بیش از سوی دبیرخانه "شورای همکاری اقتصادی" منتشر شد، بار دیگر رشد بویا، کارآیی و ز-افزون و بهر وزی هرچه بیشتر کشورهای عضو را به ثبوت میرساند:

در دهه هفتم سده ما، درآمد ملی کشورهای عضو "شورا" ۶۲ درصد افزایش یافت. بدین سان، میانگین رشد سالانه درآمد ملی در این کشورها ۵/۵ درصد بود. در این سالها سهم صنعت، ساختمان، ترابری و ارتباطات در تولید درآمد ملی بیشتر شد.

سرما به‌گذاری در اقتصاد ملی ۷۱ درصد افزایش یافت و میانگین رشد سالانه به ۶/۱ درصد رسید. در سالهای نامبرده، کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی، به ویژه به گسترش پایه مادی - تکنولوژیک - اقتصاد خود پرداختند و در حدود سه چهارم وسایل موجود را صرف گسترش نوسازی و سازی بخش‌های تولید مادی کردند. سی تا ۵۰ درصد این مقدار را مصرف صنعت شد. تقریباً همه کشورهای عضو "شورا"، سرمایه‌گذاری خود را در بخش‌های غیرمولد مانند برنام‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، به ویژه خانه سازی، افزایش بخشیدند. در سالهای ۲۹-۷۱، ۱۹، بیش از ۲۷ میلیارد دلار در این کشورها ساخته شد. بسخن دیگر، سالانه ۸/۱ خانه، برای هر هزار شهروند احداث گردید.

افزایش تولید صنعتی در کشورهای عضو "شورای همکاری اقتصادی" در سالهای نامبرده ۷۸ درصد، یعنی میانگین آهنگ رشد سالانه آنها، ۶/۶ درصد بود.

در ضمن، به بخش‌هایی که پیشرفت علمی-فنی از همه بیشتر به آنها وابسته است، اولویت بیشتر داده شد. برای نمونه، تولید مهندسی مکانیک ۲/۴ برابر، تولید برق ۱/۷ برابر و تولید شیمیائی ۲/۱ برابر گردید.

گسترش سریع بخش‌های ساختار سرمایه افزایش سهم نسبی آنها در تولید نا و ویژه صنعتی انجام مید. عالیترین آهنگ‌های رشد، در بخش‌های تولید ابزار ماشین، اتومبیل، تراکتور و ماشین‌های کشاورزی و ساختارهای حاصل شد.

## در جهان سرمایه‌داری

وضع کنونی صنعت فولاد آمریکا دورا رکود بزرگ را به یاد می‌آورد

روزنامه‌های آمریکا وضع صنعت فولاد سازی آن کشور را "فاجعه آمیز" ارزیابی کرده‌اند. در حدود نیمی از ظرفیت تولید این صنعت عاطل است.

از ۴۵ هزار فولادکار، که زمانی به تولید مشغول بودند، اینک فقط ۲۶ هزار نفر باقی مانده‌اند و هنوز هم سرنوشت بی‌کاری در انتظار برخی از آنهاست.

همین جندی پیش، شرکت "پتلهم استیل کارپوریشن" در بالتیمور (ایالت مریلند) اعلام کرد که، تولید خود را تنزل داده‌است. "ری با بلیسک استیل کارپوریشن" نیز در شیب خود در آلابا ما و اوها یوهوا خراج کارگران دست زد. چنانکه روزنامه "گریشن سانیس ماینیور" نوشت، وضع کنونی صنعت فولاد در آمریکا تنها با دوران "رکود بزرگ" سالهای ۳۰ قابل مقایسه است.

یکی از زعل عمده کارهاش تولید فولاد را در ایالات متحده آمریکا در بحران صنعت اتومبیل سازی با دیدید، که یکی از مهمترین مشتریهای آنست. برای نمونه، در نیسمال اول ۱۹۸۰، تولید اتومبیل در مقایسه با دوران مشابه در سال پیش، ۲۹ درصد کاهش یافت. فروش اتومبیل در دهه سوم ژوئن به سطحی تنزل پیدا کرد که در ۲۲ سال گذشته بیسابقه بوده‌است. همچنین کارهاش تولید صنعت کشتی سازی نیز در بحران ساخت فولاد سازی بی‌تأثیر نبوده‌است.

یکی دیگر از دلایل کاهش تولید فولاد، آنست که، برخی از کارفرمایان، به علت عدم توجه کافی به آخرین دستاوردهای علم و فن، از عهده رقابت با زار برنمی‌آیند.

به نوشته "بیزنس ویک"، "یو-اس-استیل" در ۵ سال اخیر ۷۲ درصد سود خود را به عنوان سود سهام توزیع کرد.

این رقم در "پتلهم استیل" حتی ۸۲ درصد بوده‌است. بدین ترتیب، پول کافی باقی‌نمی‌ماند که صرف نوسازی و تولید شود و با درنآوردن و ریه‌های علمی - سرمایه‌گذاری گردد.

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

# طرح سند «سه جزیره» در شرایط کنونی، توطئه جدید امریکا علیه انقلاب و جمهوری ایران

نفوذ خود در این منطقه را برای اجرای طرحهای گوناگون توطئه و تجاوز و مداخله نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار گرفته و در اجرای این طرحها به هر یک از رژیمهای ضدخلفی و وابسته به خود نقش واگذار کرده است.

رژیمهای ضدخلفی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه در تمام توطئهها و عملیات تجاروی نافرمانی که تاکنون از جانب امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، مستقیماً شرکت داشتهاند و اکنون نیز در اجرای طرح توطئه جدید، که علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده میشود، سهم خود را ایفا می کنند.

بدین ترتیب طرح مسئله استرداد سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی از جانب وزیر امور خارجه امارات متحد عربی در چنین شرایطی، از برنامه کلی توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جدا نیست.

رژیمهای ضدخلفی منطقه به حکم وابستگیهای سیاسی و نظامی و اقتصادی عمیق خود به امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، ناگزیر به اجرای رهنمودهای ارباب خود هستند. گذشته از این، آنها به اقتضای سرشت ضدخلفی و وابسته خود طبیعتاً با انقلابهای ضد امپریالیستی و رژیمهای خلقی و مستقل ملی مخالفند و دوام و بقای این انقلابهای ضد امپریالیستی و خلقی و تأثیر آنرا که این انقلابها در میان خلیفها و کشورهای دیگر منطقه دارند، برای موجودیت و سروش رژیم خود خطری جدی و بزرگ تلقی میکنند. به همین علت است که تمام رژیمهای دست نشانده و وابسته و ضد خلقی در این منطقه، از نخستین روز پیروزی انقلاب ایران در مواضع خصومت و مخالفت با این انقلاب قرار گرفته اند و از سیاست تجاوز و مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تبعیت میکنند و در تلاش تضعیف و شکست این نظام انقلابی نوپا هستند.

طرح مسئله سه جزیره از جانب دولت امارات متحد عربی علیه جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، توطئه جدیدی است که طرح آن در محافل امپریالیستی تهیه گردیده است. هدف این توطئه ایجاد و ترویج غیرلازم در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی ایران و انصراف توجه آن از خطر بزرگ واقعی موجود، یعنی توطئه بزرگ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و تضعیف مواضع آن در برابر چنین خطری است.

ما این خواست ناموجه و تحریک آمیز دولت امارات متحد عربی را در شرایط کنونی، بمثابة توطئه جدید آمریکا و نیروهای ارتجاعی و رژیمهای دست نشانده امپریالیسم آمریکا در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، با قاطعیت محکوم می کنیم.

خبرگزاری پارس، به نقل از خبرگزاری فرانسه، گزارش داد که، رشید عبدالله، وزیر امور خارجه امارات متحد عربی، در مورد مسئله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، واقع در خلیج فارس، به دبیرکل سازمان ملل متحد اعتراض کرده است.

این سه جزیره در سال ۱۳۵۰، پس از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه خلیج فارس، بوسیله نیروهای ایرانی تصرف شدند. رشید عبدالله، در پاسخ به نامه ای که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در خردادماه سال جاری، درباره این مسئله به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته است، اظهار داشت که امارات متحد عربی امیدوار است که مسئله این سه جزیره از راههای معمولی حل و فصل شود و از اعمال تحریک آمیز اجتناب شود.

قبل از امارات متحد عربی، مسئله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، از جانب دولت بعثی عراق مطرح گردید و دولت بعثی عراق خواستار شد که جمهوری اسلامی ایران این سه جزیره را بازگرداند. در آن موقع از جانب وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پاسخ لازم به این خواست نابجا و غیرمنطقی دولت عراق داده شد. و اینکه باز دیگر مسئله بازگرداندن این جزایر از جانب امارات متحد عربی مطرح میشود.

صرف نظر از اینکه خواست بازگرداندن این جزایر، چه از جانب دولت بعثی عراق و چه از طرف امارات متحد عربی، خواستی است غیرمنطقی و بی اساس، طرح این مسئله در اوضاع و احوال کنونی در منطقه و موقعیت جمهوری اسلامی ایران نمیتواند تصادفی باشد.

اکنون قریب به ۹ سال است که از جریان تصرف این جزایر بوسیله نیروهای ایران میگذرد. در دوران رژیم سابق، که این جزایر تصرف شدند، و پس از آن، از جانب امارات متحد عربی و دولت بعثی عراق مسئله استرداد این جزایر بطور جدی مطرح نگردید و علاوه بر این، در دوران اشغال این جزایر بوسیله نیروهای نظامی انگلستان، که به پایگاه نظامی امپریالیسم انگلیس علیه خلقهای این منطقه تبدیل شده بودند، از ناحیه هیچ دولت و کشوری در منطقه به این وضع اعتراض نشد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امپریالیسم آمریکا، علاوه بر تقویت پایگاههای نظامی و گسترش بی سابقه حضور نظامی خود در این منطقه، که مستقیماً علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، سعی کرده است که بوسیله رژیمهای دست نشانده خود در منطقه، مواضع جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند و در روابط آن با کشورهای همجوار در منطقه تیرگی و تشنج پدید آورد. امپریالیسم آمریکا تمام تاسیسات و امکانات نظامی رژیمهای دست نشانده و تحت

# ضد انقلاب کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر را ویران کرد

صبح روز بیست و یکم مردادماه گروهی شناخته شده، با آرم بیشترگان حزب الله، به کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر حمله کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بهشهر بدین مناسبت اطلاعیه ای صادر و در سطح شهر پخش کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«همشهریان عزیز! روز سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۹ ساعت ده صبح، گروه قلیلی که شناسایی شده اند، با آرم بیشترگان حزب الله به محل کتابفروشی نشریات حزب توده ایران، که بسته بود، حمله کردند و پس از کندن درب کرکره و شکستن شیشه ها و قفسه ها و میز و سندی و فیوز و کنتور برق، کلیه کتابها و نشریات را از بین بردند.

این اعمال در شرایطی انجام می گیرد که ضدانقلاب به دستور امپریالیسم قصد نابودی جمهوری اسلامی را دارد. ما توجه مسئولین و نهادهای انقلابی را به اطلاعیه دادستان کل کشور و سخنرانی ایشان در حوزه علمیه قائم در پیچدر و مساجد با صدا و سیما جمهوری اسلامی جلب می کنیم، که گفته است:

«با توجه به اینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون هر عملی که انجام می شود باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد، اقدام به این قبیل اعمال، علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و مختل

## توضیح فرمانداری قائمشهر

به دنبال چاپ مطلبی تحت عنوان «فارسالی در امر توزیع سیمان در قائمشهر» در شماره ۲۳۳ نامه مردم، فرمانداری قائمشهر نامه ای به مدیریت کل ارشاد ملی استان مازندران ارسال داشته، که در نوشت این نامه برای نامه مردم فرستاده شده است. در این نامه آمده است:

«... همانطوریکه اعلام داشته اند، مسئولیت توزیع سیمان و گچ قائمشهر به شرکتی که به همین نام تأسیس گردیده، محول شده است و فرمانداری هم با تعیین نماینده در نحوه توزیع آن نظارت دارد، و بی ترتیبی که اخیراً مشاهده شده، ناشی از کمبود سیمان در سطح شهرستان و کثرت متقاضیان بوده است، نه فقدان ضابطه.

۳- فرمانداری طی اطلاعیه از کلیه متقاضیان از طریق رادیو و تلویزیون مازندران خواسته است در مواردی که به احتکار و گرانفروشی یا هر نوع تقلب دیگر برخورد نموده اند، مراتب را کتاب اعلام دارند، تا بسا افراد متخلف برابر مقررات رفتار شود.

۴- بنظر این فرمانداری بستن صفحیت دریافت سیمان و کالاهائی نظیر آن، از ضروریات بوده و به حفظ انضباط عمومی کمک می نماید و اگر چنانچه گاهی اوقات اشخاصی در کسوت متقاضیان سیمان بصورت دستچینی بفرمانداری یا شهرداری مراجعه و موجبات درگیری با برخی از ماموران را فراهم می نمایند، تا آنجا که تحقیق شده مستحق نیازمند، واقعی سیمان نبوده و عمل این قبیل افراد تلاش مذبوحانه ای برای ایجاد هرج و مرج در محیط اداره و بسا وقت کشی مسئولان و بزرگ چلوه دادن مسئله کمبود سیمان می باشد.

برخورد مسئولان مقامات فرمانداری قائمشهر در ارتباط با مسئله فارسالی در امر توزیع سیمان در قائمشهر، مایه خوشوقتی است. ما از آن مقامات انتظار داریم که همچنان در این امر مهم، کمال دقت و هوشیاری را بکار ببندند.

ضمناً ذکر یک نکته را نیز ضروری ندانیم، و آن این است که بجاست مسئولان فرمانداری قائمشهر ضوابط مشخصی را در امر توزیع سیمان تعیین کنند، تا از این طریق اولیایمان بستم متقاضیان به سهولت برسد، و نایا دست واسطه ها و محتکران کوتاه شود.

کارش در در حقیقت «کارتل»ها و طبقه حاکم آمریکا و دیگر امپریالیستهای جهان همین کلک را سوار کرده اند و تبلیغ می کنند که گویا جهان اسلام با جهان مسیحیت و مذهب اسلام و مذهب مسیح گلاویز شده اند.

آنها گاه طرحهای دیگر هم می ریزند، چنانکه مرحوم کاشف الفطای بزرگ و بزرگوار را به «انجمن مسیحیان آمریکائی طرفدار صلح در خاورمیانه» دعوت کردند تا با توجه به مشترکات اسلام و مسیحیت، در زمینه «استقرار عدالت و صلح و ایمان» جلسه و کنفرانس تشکیل دهند و علیه کمونیسم ملحد ضد دین که دشمن مشترک اسلام و آمریکائی مسیحی است جبهه واحدی تهیه فرمایند! کاشف الفطای که نقشه آنها را دریافت همان ابتدا با نوشتن نامه ای شدیدالحن و افشاگرانه به آنها فرمانده که خر کیست!

به آنها گفت که چگونه در ریتام و الجزایر و لبنان و فلسطین و عراق، صلح و عدالت و ایمان را مستقر کرده اند!

الجزایریها، آفریقایها و هر کشور استعمارزده بیاد دارند که چگونه قبل از ورود قوای استعماری، همواره دسته ای از باصطلاح میسیونرهای مسیحی و مبشرین روحانی و کشیشان کلابی، پیشتر اول و پلایدار سیاه استعمار بوده اند. اول به پنهان هدایت و ارشاد و بعد ارشاد به آمریکا و هدایت به دنیای غرب و جنگ و استثمار... (اطلاعات، دوشنبه سوم شهریور ۵۹)

تهوع آور این وزیر روشکسته به تفسیر نمی یابد؟ مطابق چگونه احساس مسئولیتی است که مسئول سیاست خارجی ایران، علناً اعلام میدارد، «کشورهای جهان پرسنل سفارتخانه هایشان در تهران را بعد اقل تقلیل داده اند، برای اینکه امنیت ندارند این «دیپلماتی» بسود کیست؟ اینقدر مسلم است که بسود جمهوری اسلامی ایران نیست - و این آقای وزیر جلال نشانی، حتی از امکان سقوط جمهوری اسلامی نیز سخن گفت و ناخودآگاه ولی با اطمینان از آینده ای دیگر، غیر از آینده ای که مردم مستضعف ایران آرزوی آنرا دارند، یعنی آینده ای، بیشتر مطابق با خواب های که امپریالیست ها، دشمنان خوشبختی مردم مستضعف ما دیده اند، سخن میمان آورد. اما مستضعفین ایران هنوز شانده، و اجازه ی تعمیر چنین خواب هایی را نخواهند داد. توده های مستضعف ما، که با آن فداکاری های بی همتا، آن انقلاب پرشکوه را بوجود آوردند، و خود را از شر طاغوت و سیاست های داخلی و خارجی وی رها ساختند، قریب عوام فریبی های عوامانه امثال صادق قطب زاده را نیز نخواهند خورد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آن سیاست خارجی که ما را بار دیگر اسیر روابط با پاکستان و ترکیه و اروپایان امپریالیست آنها سازد، نباید باشد و نخواهد بود. قطب زاده بیبوده تلاش میکند و اگر هم می خواهد در این جهت یعنی در جهت اتخاذ چنین سیاستی به دولت آینده کمک کند، مستضعفین ایران چنین کمکی را نمی خواهند.

(صبح آزادگان، ۴ شهریور ۵۹)

## کشف مرکز جاسوسی سیا در دایره استقفا هشداری برای هموطنان مسیحی

روزنامه اطلاعات می نویسد:

«متأسفانه قدرت های استعمارگر جهانی، انگلستان، فرانسه، آمریکا و دیگر اسلاف و اخیالانشان همواره کوشیده اند که ساحات پاک و مطهر مسیحیت، یهودیت و اسلام را آلوده کنند. همواره در دنیای مسیحیان و یهودیان و از جمله در جمع اقلیت های مذهبی ایران دو قسم، دو طبقه یا دو جناح وجود داشته اند. همچنانکه در میان دیگر صاحبان ادیان وجود دارند. توده های کاربدیده و رنج برده، تحصیل کرده های مومن و روشن ضمیر و متعهد، عاشقان وفادار به مسیح و موسی و مومنان زاهد و متقی و دور از تجملات دنیوی از یکسو و بسیاری از سردمداران، طبقات مرفه، برخی از کاتبان و فریسیان و کشیشان و اسقف های که زنجیر عبادت نفسی و بیندگی دنیا و اروپایان را به گردن انداخته اند و سر در پی آنها نبوده اند.

قدرتهای استعمارگر همیشه تلاش کرده اند، تا با استقرار پایگاه خویش در میان اقشار و طبقات نوع دوم، آن قشر یا طبقه گروه اول را فریب دهند و بدنباله روی از خویش وادارند. اکنون در همین ایران انقلابی خودمان، آمریکا بسختی تلاش میکند تا چنین وانمود شود که گویا مبارزه سرسختانه و قهرمانانه امام خمینی با امپریالیسم جهانخوار آمریکا مبارزه با مسیح (ع) و مسیحیت است! دولتمداران آمریکا، طبقه حاکم و سرمایه داران و انحصارگران و متخضمان پیچیده ترین نوع استثماردار در ایالات نامتحدده! خود کمترین اعتقادی به مسیح و مسیحیت ندارند. اما اینقدر میدانند که یازگی با مسیحیت فراموشین! پس ضرر نیست، بلکه برعکس می تواند منافع فراوان نیز ببار آورد. آنها با تکیه بر مزدوران و جاسوسانی که در لباس محترم روحانیت مسیح به ایستوی و آسوی می فرستند ناجوانمردانه و خفنا نه نقشه می ریزند و کوشه می کنند تا یک یا چند کلیسا را به دکلیسیه یا در حقیقت به «کلیدی» برای حل مشکلات مسیاه بدل سازند. از اینرو در برخی از کشیشان نماها و روحانی نماها را آموزش میدهند تا با بهره گیری از دو نقطه ضعف «دقت» موجوده اقلیتیهای مذهبی ایران را در برابر برادران مسلمانان قرار دهند...»

در جلسه علنی دیروز مجلس



# امپریالیسم آمریکا میخواهد با بسیج عراق، ترکیه و کشورهای شیخ نشین به کشور انقلابی ما یورش بیاورد

## \* دو فوریتی بودن طرح ترمیم جادهها و پاسگاه های مرزی غرب کشور به تصویب نمایندگان رسید. \* حجت الاسلام خلخالی گفت: باید با قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در تمام زمینها بگیریم.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که ساعت ۹:۳۰، ریاست حجت الاسلام رفتنجانلی تشکیل شد و پس از سخنان قبل از دستور چندتی از نمایندگان، دوفوریتی بودن طرح مرمت پاسگاهها و راههای مرزی غرب کشور به تصویب رسید. در ابتدای جلسه دیروز و قبل از سخنان قبل از دستور نمایندگان، دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق، در پاسخ اعتراض احمد سلامتیان مبنی بر عدم طرح اعتبارنامه اش در مجلس، گفت: «این اعتبارنامه پار اول در کمیسیون تصویب شد، ولی به علت مخدوش بودن نتیجه آراء مجددا مورد بررسی قرار گرفت و اینبار طبق رای گیری مجدد رد شد و چون اکنون متن گزارش کمیسیون، که حاوی تمامی دلایل و شواهد باشد، تنظیم نشده، تا تنظیم شدن آن گزارش این پرونده مسکوت میماند...»

پس از صحبت های چندتن از نمایندگان، قرار شد که گزارشی بر- مبنای نتیجه اول رای گیری کمیسیون (و با ذکر اینکه ۷ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف و ۳ ممتنع، طبق آیین نامه، دلیلی بر تصویب اعتبار- نامه نیست) به مجلس عرضه شود.

قائمی، نماینده بابل، اولین سخنران قبل از دستور، ضمن اشاره به دستاوردهایی که انقلاب تاکنون به آن نائل شده است، گفت:

«برخلاف نظر منفی یاقان، انقلاب ما تاکنون پیروز بوده است... وی افزود: اکثر دولتمردان ما با صداقت کار می کنند و اکثر اشتباهات آنان نیز ناشی از قصور بوده تا تقصیر. لیکن باید توجه داشته باشند که بعضی از همین کوتاهیها لطافت بزرگ و جبران ناپذیری به انقلاب ما وارد می آورد...»

وی آنگاه به اشتکالاتی که در کار ارگانهای مملکتی وجود دارد، اشاره کرد و گفت:

«هنوز بازماندهگان رژیم گذشته در بعضی از ادارات و مراکز مشغول کارند... هنوز بعضی از کارمندان تفهیم شده اند که آنها خادم اند و مردم، مخلوم و باید برای مردم خدمت کنند... تازه اکنون (پس از یک سال و نیم از انقلاب) شاهد کشف فرآکز جاسوسی در تهران و شهرستانها هستیم... هنوز معلوم نیست که بانکهای ما «اسلامی» است یا «سرمایه داری»... مثل اینکه باید مرتب کم کاری انجام بشود و امام تذکر دهند...»

وی در پایان سخنان خود، از وضع حوزه انتخابیه خود و منجمله میامند هیئت ۷ نفره تقسیم زمین بدانجا سخن گفت

بشارت، نماینده سمیرم، سخنران قبل از دستور دیگر جلسه دیروز، ضمن اشاره به برخورد نادرست یکی از نمایندگان با تماشاگران در جلسه قبل، گفت:

«اینجا، یعنی کسانی که هرگز در جلسات مجالس طغوثی شرکت نمی کردند، اکنون بجای رفتن به سینما یا هر جای دیگر، به مجلس می آیند و بر کار ما نظارت می کنند، همینها ما را انتخاب کردند و به اینجا آوردند... پس درست نیست که چنین برخوردی با آنها داشته باشیم... البته تماشاچیان نیز باید مقررات مجلس را رعایت کنند...»

وی آنگاه در مورد توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب، بخصوص در غرب کشور، گفت:

«الکون سروصدهایی هست مربوط به اینکه شیطان بزرگ آمریکا میخواهد عراق و ترکیه و شیخ نشین های خلیج را بسیج کند و به کشور انقلابی ما حمله آورد... اما ملت ایران بداند که ناقوس آزادی و رهایی از اسارتها، ناقوس مقابله، استعمار و استبداد، بوسیله انقلاب ما بسدا درآمده است... اکنون نهضت های رهایی بخش رشد کرده اند...»

## آزادی فعالیت ...

بقیه از صفحه ۱

ما به انقلاب و تبلیغ و ترویج اهداف ضد امپریالیستی و خلقی آنست. دهها جلد کتاب و نشریه بقلم اعضاء حزب و کادر رهبری آنست، که در توضیح مسائل انقلابی ارائه طرح و برنامه درباره حادث ترین مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به تحریر درآمده است؛ تشکیل دهها جلسه پرسش و پاسخ، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران است، که کلیه این جلسات وقف روشنگری افکار مختلف مردم، بویژه جوانان و تصحیح اشتباهات، ناپاوریها و موارد ابهام آنان درباره انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و تشریح مواضع حزب توده ایران نسبت به انقلاب و مهمترین مسائل آن شده است؛ برپائی صدها جلسه سخنرانی از سوی مسئولین حزب در شهرها و روستاهای سراسر کشور است، که دورافتاده ترین اقشار جامعه را با اهداف انقلاب آشنا و در راه تحقق آن بسیج کرده است؛ فعالیت روزمره همه سازمانها و همه افراد حزبی است که بر اساس این مشی اصولی و انقلابی انجام گرفته و میگیرد. ما تردید نداشته ایم و نداریم که

امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دست پرورده آن، از پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران از نظام جمهوری اسلامی عمیقاً خشمگین است. این واقعیت را اظهار نظرهای مکرر سران ضدانقلاب از جمله پختیاز و نریه، مینیری اینکه اگر بقدرت برسند قبل از همه حزب توده ایران را نابود خواهند کرد، تأیید میکند.

دشمن در اجرای سیاست کلی خود، که تفرقه افکنی میان نیروهای انقلابی است، کوشیده است و می- کوشد تا با لجن پراکنی به حزب توده ایران، با ایراد اتهام و دشنام، با قتلین و تحریک، هم حزب توده ایران را از مشی اصولی و انقلابی خود منحرف و از پشتیبانی از انقلاب منصرف سازد و هم نظام جمهوری اسلامی ایران را خصم آشتی ناپذیر توده ایها وانمود کند.

حزب توده ایران از آغاز دقیقاً متوجه این حیلۀ امپریالیسم و کارگزاران داخلی آن بوده است و بهمین دلیل حملات خشن و غیر- عادلانه ای که از سوی گروههای مشکوک و پارهای عناصر ناکام بنام دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پیروی از خط امام علیه ما انجام گرفته است، با آنکه برای ما تاسف انگیز بوده، ولی هرگز

ناطق بعدی، اسدی نیا از اهواز، در سخنانی از جمله گفت: «یکی از مطالبی که از ابتدای انقلاب تاکنون به حرکت انقلابی ما لطمه زده است، انتخاب کسانی به تصدی امور بوده است که با اسلام را نشناخته اند و یا قاطعیت انجام کارها را نداشته اند... در انقلاب ما هیچ خطی بجز خط امام نباید مطرح باشد...»

وی در باره وضع بانکهای کشور گفت: «کجای این سیستم اقتصادی و بانکی ما اسلامی است... اینها چه فکر می کنند! خیال می کنند که ملت انقلابی ما به سادگی از این مسائل خواهد گذشت؟ هرگز...»

وی افزود: «مردم را باید در جریان حوادث مختلف مملکتی گذاشت... بعنوان نمونه آنها باید از جریان توطئه هایی که از جانب آمریکا علیه ما می شود، آگاه باشند... رسانه های گروهی موظفند مسائل مهم مملکتی را به اطلاع مردم برسانند... و بدانند که اگر شعار «مرگ بر امپریالیسم آمریکا» می دهند... آمریکا اکنون تمام نقاط و بخصوص کردستان و خوزستان را مرکز توطئه های خودش قرار داده است... و بدانند که تنها «شعار دادن» خیانت به انقلاب است.»

وی در پایان در باره حوزه انتخابیه خود و فق و وحشتناک حاکم بر مرز نشینها، که زمینه ساز انواع توطئه هاست، گفت:

«پس کجاست این اقتصاد اسلامی... ضدانقلاب در همین بزم- گذاریهای اخیر عده ای از این مرز نشینها را با ۶۰۰ تومان به خدمت خود در آورده بود... این هشداری است به کلیه مسئولین امر... باید هرچه سریعتر مسئله فقر مناطق مرز نشین را حل کرد... همچنین در باره تبلیغات باید گفت که در نقاط مرزی کردستان این تلویزیون تراق است که آن مناطق را تحت پوشش دارد نه سیمای جمهوری اسلامی ایران...»

قرباطلی دری نجف آبادی، نماینده اردل، آخرین ناطق قبل از دستور دیروز، گفت:

«امپریالیسم جهانخواه، که منافع خود را با پیروزی انقلاب ایران در خطر می داند، از همان ابتدا سعی کرد تا با انواع توطئه ها نگذارد ایران به ثبات سیاسی و اقتصادی دست یابد... او با استفاده از کشور- هائی مانند مصر، عمان، عراق، امارات متحده، مرتب به توطئه علیه انقلاب مشغول است... میخواهد مرزهای ما را متشنج کند و در داخل کشور جنگ روانی ایجاد کند و نگذارد که کشتی بزرگ انقلاب به رهبری امام خمینی به ساحل نجات برسد. اینها تفنگداران دنیایی خود را در عمان می آوردند و تجهیزات جنگی در اختیار مزدورانشان در منطقه قرار میدهند... خوانین و گروههای ضد انقلابی رادر داخل تقویت می کنند...»

وی سپس به زندان مرئی کشور و ضعف آن در مقابله با تحریکات مرزی ضدانقلاب اشاره کرد و گفت:

«اولا پاسگاهها کم هستند و ثانیاً عده ای از مسئولان آنها هنوز جذب انقلاب نشده اند و از رژیم گذشته اند... پس بازسازی و پاکسازی، تقویت و تجهیز آنها باید جزو برنامه های نخست وزیر و مجلس قرار گیرد...»

پس از نطقهای قبل از دستور نمایندگان، نوبت به طرح چند ماده واحده با قید دوفوریت رسید. اول ماده واحده مربوط به تمدید مهلت پاکسازی بود. عده ای از نمایندگان طی این طرح خواستار تمدید این مهلت به مدت ۶ ماه دیگر شدند. مهندس عزت الله سعیدی در مخالفت با فوریت طرح گفت:

«نه تنها تاکنون تمامی افراد ضد انقلابی از ادارات و وزارتخانه ها پاکسازی نشده اند، بلکه کسانی هم که به انقلاب وفادار بوده اند، درین

تصفیه شدگان هستند... پاکسازی تنها شامل کنار گذاشتن افراد ضد انقلابی نیست، بلکه شامل دگرگونی نظام اداری حاکم بر محیط های کنوری نیز می شود...»

وی در باین خواستار بررسی بیشتر پیرامون مسئله پاکسازی و تدوین ضوابط و آیین نامه دقیق برای آن شد.

حجت الاسلام خلخالی در موافقت با فوریت طرح گفت:

«من از مجلس میخواهم که هرچه سریعتر به پاکسازی ادارات و وزارتخانه ها بپردازد، زیرا این دفعه الوقتها باعث رشد ضدانقلاب می شود. ما باید با قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در همه جا بگیریم. ولی ضمناً پاکسازی نباید مهمل به نازاری تراشی بشود...»

سپس دوفوریتی بودن این ماده به رای گذاشته شد. و در نتیجه فوریت طرح رد شد و ماده واحده برای بررسی به کمیسیون امور استخدامی مجلس ارائه گشت.

ماده واحده بعدی مربوط بود به حفظ کرسی نمایندگی آندسته از نمایندگان، که به وزارت و یا سایر مقامات اجرائی می رسند. پس از صحبت های فراوان، این ماده واحده بعلت مخالفت آشکار این ماده با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رد شد.

آخرین ماده واحده ای که در جلسه دیروز برای دوفوریتی بودن آن رای گیری شد، مربوط به ترمیم نقاش پاسگاهها و جاده های مرزی غرب کشور بود. در توضیح این ماده واحده گفته شد:

«برای جلوگیری از خطراتی که به هنگام پیشروی برادران پاسدار و ارتش در خطوط مرزی بروز می کند، دولت مکلف است موضوع مرمت و بازسازی پاسگاهها و جاده های مرزی را مورد بررسی قرار دهد و اعتبار لازم را برای اسفالت جاده و مرمت پاسگاههای قشر شیرین و... تأمین کند...»

دوفوریتی بودن این طرح با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. سپس حجت الاسلام رفتنجانلی در کمیسیون تدوین آیین نامه خواست که از فردا به بررسی پیشنهادهای واصله از سوی نمایندگان برای تکمیل آیین نامه بپردازد.

در پایان جلسه دیروز مجلس، اسامی غائبین جلسه گذشته و نام کمیسیونهایی که در تشکیل جلسات و شروع جدی کار تملک کرده بودند، اعلام شد.

جلسه بعدی مجلس (پنجشنبه ساعت ۹ صبح) اعتبارنامه احمد سلامتیان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

## در حاشیه مجلس

نمایندگان از وزیر خارجه ناراضی اند

قائمی نماینده بابل، ضمن اشاره به جنبشهای آزادی بخش منطقه گفت: «آنها ایرانی گرفتند و به حق هم ایرانی گرفتند که چرا وزیر خارجه ما در این کشورها می رود و باتولهای طغوثی آنها ملاقات میکند...»

اسدی نیا، نماینده اهواز، از جمله گفت:

«آرروز این وزیر مربوطه در رابطه با وضع سفارتخانه های ایران در خارج آمد و با یک توجیهاتی مسائل را رد کرد... در حالیکه مدارک و اسنادی هست که از جانب سفارتخانه های ما در خارج به انقلاب ما ضربه هم وارد شده است...»

تقاضای مجزات کسانی که بوظیفه خود عمل نمی کنند

رضا اصفهانی، هنگام طرح دوفوریتی ترمیم پاسگاهها و اسفالت جاده ها در غرب کشور گفت:

«من می گویم اصلاً احتیاج به مطرح کردن این چیزها نیست. درست است، این مسئله ایست فوری و حیاتی و برای همین باید گوش آنهایی که این مسائل را می دانستند و تاکنون به آن عمل نکرده اند گرفت و به مجازات قانونی رساند!»

## اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محترک انست

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را فدای احساسات خشم آگین آنسی نکرده اند.

آنچه ما خواستیم و طلب می- کنیم، اجرای قانون اساسی واستقرار نظام انقلابی است تا این جو هرج و مرج و آشوب، که به ضد انقلاب امکان میدهد زیر نقاب دفاع از انقلاب، دفاتر حزب و مراکز فروش نشریات ما را مورد هجوم قرار دهد، به جو امنیت قضائی برای همه گروه- های سیاسی وفادار به انقلاب بدل شود. ما که یگانه، از محاسبه بلاتذره ای!

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده اعتبار و مدیر مسئول: منوچهر زهادی

خیا بان ۱۶ آذر شماره ۶۸ دفتر نامه «مردم» فعلا در اشغال عناصر غیر مسئول است

NAMEH MARDOM

No. 318 27 August 1980

Price: West-Germany 8.80 DM France 2 Fr. Austria 20 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق